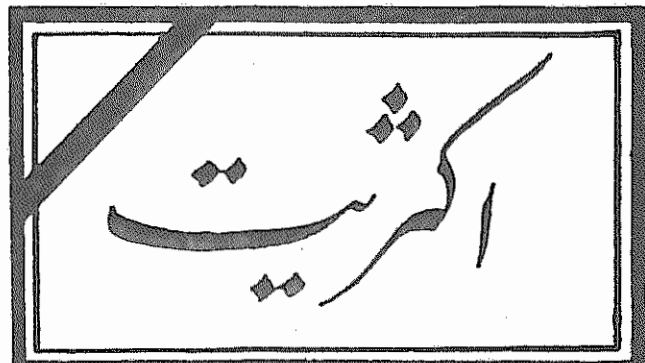


یک فاجعه بزرگ ملی



دوشنبه ۴ تیر ماه ۱۳۶۹ برابر با ۲۵ ژوئن ۱۹۹۰ - سال مفتح - شماره ۳۰۹

فاجعه‌ای دیگر

یک فاجعه دیگر، مصیبتی بزرگ، افزون بر مصیبت‌های دیگر، حتی از ۱۰۰ هزار کشته سخن می‌رود. تسلیت مردم، تسلیت هم‌میهن! می‌گوییم هم‌آخران باد، اما خود می‌دانیم که این سخن را فقط به خاطر قرار گرفتن آن بر روی گمر بند زلزله، آنهم نه فقط به خاطر سیل و خشکسالی و بلایایی از این قبیل. زمین هم که بلرزد، زیر پای محرومین بیشتر می‌لرزد؛ سیل هم که بیاید، کلبه‌ها را بیشتر در هم می‌کوبد. آنهایی که بر این خراب آباد حکومت رانده و می‌رانند، می‌دانند که زمین لرزه فاجعه‌ایست که هر آن باید انتظارش را داشت، حتی مشخص است که مناطق زلزله خیز ایران کدامند. اما تاکنون چه کرده‌اند؟ چه اقداماتی را معمول داشته‌اند تا زمین لرزه این حد قربانی نگیرد؟ مدت‌هاست که کارشناسان حتی در مورد امکان وقوع زمین لرزه در تهران هشدار داده‌اند. دولتمردان حتی از درج نظر آنان در مطبوعات جلوگیری می‌کنند، از ترس آنکه می‌آید مردم بر خیزند و بپرسند: برای کاستن از ابعاد فاجعه‌ای که هر آن احتمال بروزش می‌رود، چه کرده‌اید؟

خبر زلزله که آمد، واکنش‌ها همه یکسان بود. اغلب می‌گفتند: این مردم گویا قرار است روی آسایش نبینند. دیروز موشک خانه‌شان را ویران می‌کرد و امروز زلزله. این واکنش تقدیر گریانه نیست. انسان‌ها به حکم طبیعت روانشان، تصویرهای مختلف از یک موضوع و حول یک موضوع را به یک رشته می‌کنند، برای همه آنها یک زمینه را متصور می‌شوند. اکنون زمینه هر تصویری که از ایران ارائه می‌شود، سیاه و فمزه است. جنگ، سرکوب، گرانی، بیکاری، فلاکت، سیل، زلزله... همه از پی هم، در ده‌ها انباشته، جامه‌های سیاه. چند شیار دیگر می‌تواند بر پیشانی‌تان بنشیند؟ شانه‌هایتان تا کی تحمل بار این همه رنج را دارد؟

اشک چشم‌هایتان نخشکیده است؟ سینه پر در دتان در آستانه انفجار نیست؟ چه در دناک است خوکردن به درد، چه مصیبت بار است خوکردن به مصیبت.

و مادر اینجا، در این فریت، مصیبت‌ها را می‌شمیریم: تعداد موشک‌ها، راء تعداد اهدام شدگان را، شمار سیل‌ها را، زلزله‌ها را، این خود مصیبتی است. چه بگوییم جز این که: ما نیز در همتان شریکیم مردم. ما نیز می‌گریم. فریبوار می‌گریم.

زلزله در شب ۵ شنبه ۳۱ خرداد (۲۲ ژوئیه) به وقوع پیوست: ۳۱ دقیقه پس از نیمه شب. زلزله یک دقیقه به طول انجامید. پس از یک دقیقه منطقه وسیعی در استانهای گیلان و زنجان به ویرانه تبدیل شد. در ابتدا از ۱۰ هزار کشته سخن بود، پس از آن از ۲۵ هزار نفر سخن

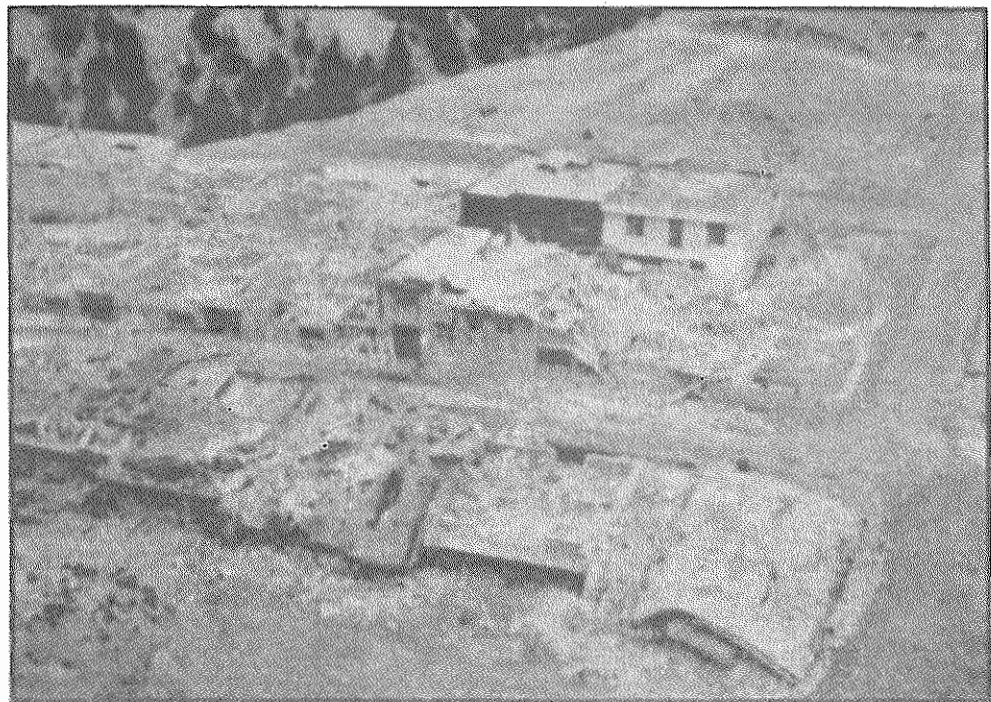


گفتند. در دومین روز پس از زلزله این رقم از ۳۵ هزار نفر نیز بالا زد. صلیب سرخ بین المللی بعید نمی‌داند که تلفات از ۱۰۵ هزار نفر افزون باشد. تعداد زخمیان چند برابر آمار کشته شدگان است. هنوز همه جنازه‌ها را از زیر آوار در نیاورده‌اند.

ایران شدت زلزله را ۷/۳ ریشتر اعلام کرده است. لرزشهایی که پس از زمین لرزه اول بر ابعاد مصیبت افزودند، سربه ۶/۵ درجه ریشتر می‌زده‌اند. پرفسور یورگن کلو سمان زمین شناس آلمانی پس از وقوع زلزله در ایران اعلام کرد که مرکز زلزله شناسی هامبورگ ۷ دقیقه پس از وقوع زلزله، ارتعاش آن را ثبت کرده است. وی گفت: زلزله شمال ایران، از زلزله دو سال پیش در ارمنستان شوروی که ۲۵۰۰۰ کشته به جا نهاد، شدیدتر بوده است.

ظواهر اکنون زلزله شهر رودبار بوده است. این شهر به کلی ویران شده است. میزان خرابی رشت ۸۰ درصد تخمین زده می‌شود. لوشان، منجیل و اهر و بقیه در صدمه ۳

منجیل: مردی پس از ۴ ساعت زنده از زیر آوار بیرون آورده می‌شود. جمهوری اسلامی از ورود کارشناسان همراه با سگ‌های تعلیم دیده که مخصوص یافتن زندگان مدفون شده در زیر آوارند، جلوگیری بعمل آورد. گفته میشود آخوندها به دلایل شرعی از پذیرفتن مواد غذایی کنسر و شده ار سالی از خارج نیز سر باز زده‌اند.



زمانی روستایی بوده است با ۱۵ خانه. بیش از ۸۰ نفر در این روستا جان خود را از دست دادند.

سوان‌رزمیم: زلزله یک "امتحان الهی" است

جماعت را به وجد می‌آورد. اینان در طول تاریخ روزی‌شان به مرگ و سوگواری بند بوده است. هر چه مرگ و میر بیشتر باشد، آخوند فربه‌تر می‌شود. در هیچ مقطعی از تاریخ رابطه آخوند و مصیبت این قدر آشکار نبوده است که امروز.



فقط توانسته است پسرش را نجات دهد. در سوگ شوهر و دیگر عزیزانش بر سر می‌کوبد.

زلزله آمد و هزاران کشته به جانهاد. هزاران کشته و منطقه‌ای ویران که تا سالهای سال امیدی به آبادانی مجدد آن نمی‌رود. پس از انتشار خبر زلزله خامنه‌ای، رفسنجانی و دیگر آخوندهای بزرگ هم‌امه، پیام صادر کرده و اعلام کردند که زلزله، یک امتحان الهی است. اینان جنگ را نیز امتحان الهی اعلام کرده بودند. خمینی موشک‌هایی را که بر تهران و دیگر شهرستان‌ها فرود می‌آمد، مظهر امتحان الهی توصیف می‌کرد. هدف از این گونه یاوه سرایی‌ها بستن چشم مردم است: خودادن آنها به هزا و مصیبت و در پرده گذاشتن ریشه واقعی محرومیت هاست. این پست فطرتان نمی‌گویند که زلزله حادثه‌ای طبیعی است که آنجایی بیشترین قربانی را می‌گیرد، که خانه‌ها مقاوم نباشند. اینان به تقدیر متوسل می‌شوند تا مردم در یک حالت تخدیر شده، مصیبت‌ها را یکی پس از دیگری متحمل شوند: دیروز موشک و امروز زلزله. مصیبت و هزا آخوند

- | | | |
|--------------|---|------------|
| در این شماره | * زلزله‌ها و حکومت‌ها | در صنفه ۳ |
| | * علیه استبداد حاکم، از آزادی دفاع کنیم! | در صنفه ۲ |
| | * مصاحبه نشریه اکثریت با غنی بلوریان | در صنفه ۶ |
| | * شکست "سوسیالیسم واقعا موجود" و آینده جهان سوم | در صنفه ۸ |
| | * تشکیل حزب کمونیست روسیه | در صنفه ۱۰ |
| | * نتیجه تحقیقات در مورد ترور دکتر کاظم رجوی | در صنفه ۲ |

سرکوب خونین اعتراض زندانیان در مشهد

رژیم جمهوری اسلامی، در جریان سرکوب یک اقدام اعتراضی زندانیان مشهد، شماری از آنان را به قتل رساند. خبرگزاری جمهوری اسلامی روز سه شنبه ۲۹ خرداد گزارش داد که مأموران زندان طی سه ساعت درگیری با زندانیان، چند تن از آنان را کشته‌اند. این خبرگزاری مدعی شد که زندانیان متهم به قاچاق مواد مخدر، برای فرار زندان را آتش زده بودند. در گزارش دیگری، مقامات رژیم مدعی شده‌اند که ۹ زندانی هنگام فرار کشته شده‌اند. سازمان مجاهدین خلق در بیانه‌ای که در بغداد انتشار یافت، گزارش داد که رفسنجانی خود دستور سرکوب اعتراض در زندان مشهد را داده است.

فراخوان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از هر راه که سریع تر است به یاری زلزله زدگان بشتابیم!

هموطنان عزیز! بار دیگر میهن بلاکشیده ما گرفتار مصیبتی عظیم گردیده است. زلزله دهشتناکی که در نخستین ساعات روز پنجشنبه ۳۱ خرداد استان های گیلان و زنجان را لرزاندیده است، ده ها هزار کشته و زخمی و صدها هزار بی خانمان بر جای گذاشته است. هنوز هیچکس از آمار دقیق تلفات خبر ندارد. از سوی مقامات مختلف تلفات برابر ۲۵ هزار ۳۰ هزار ۳۵ هزار و بیشتر اعلام می شود و ساعت به ساعت آمار تلفات بیشتر میشود. طارم علیا و رودبار با خاک یکسان شده است. در منجیل، لوشان، ماسوله و صومعه سرا و فومنات و رشت خسارات و تلفات بسیار ببار آمده است. ایران چنین فاجعه و ویرانگری را در دهها سال اخیر بیاد ندارد. ویرانی و مرگ دواستان زیبایی کشور ما را پوشانیده است. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به بازماندگان این زلزله مهیب و به همه مردم رنج دیده ایران تسلیت گفته و برای همگان برای تحمل این درد بزرگ صبر و شکیبایی آرزو می کند. هنوز بسیاری از قربانیان زیر آوار مانده اند. مطابق گزارشها دهها هزار زخمی محتاج کمک فوری هستند. کسانی هم که جان بدر برده اند همه هستی خود را از دست داده اند و در زیر خروارها خاک پی هیزان از دست رفته می گردند. هر لحظه تاخیر جان انسانهای بیشتری را میگیرد. وظیفه تک تک ایرانیان است که به هر شکلی که میتوانند به یاری مصیبت دیدگان به شتابند. ما از همه دولتها، از همه انجمنها و نهادهای خیریه استمداد می طلبیم. یاری های فوری شما می تواند از گسترش ابعاد این درد رنج جلوگیری کند. ما از مردم همه کشورها می خواهیم که در این لحظات سخت به کمک قربانیان فاجعه

بشتابند بدون یاری شما و همدردی شما بعد فاجعه ای که بر میهن مارفته است بسیار عظیم تر خواهد بود. مردم مصیبت دیده ایران هرگز این کمک های انسانی را زیاد نخواهند برد.

هموطنان عزیز! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه ایرانیان، وابسته به هر فکر و قشری دعوت می کند چه در سطح کشور و چه در خارج از کشور با یکدیگر برای امداد رسانی به زلزله زدگان همکاری کنند. وقت آن نیست که هیچ چیز مانع همیاری ایرانیان برای امداد فاجعه گردد. بیایید کمک های خود را به هر وسیله و از هر طریق که سریعتر است به مصیبت زدگان برسانیم. در هر شهر و هر محلی که هستید ستادها و کمیته های امداد رسانی تشکیل دهید و از هر راهی که مستقیم تر است کمک ها را به زلزله زدگان برسانید. ما از مقامات دولتی می خواهیم که برای رسیدن کمک ها هیچ مانعی ایجاد نکنند. کمک ها از همه دولتها باید بدون قید و شرط پذیرفته شود و از پذیرفتن هیچ کمکی امتناع نکرند. فدائیان خلق ایران در این روزهای پراشک و دردناک در هر کجا که باشند و به هر میزان که بتوانند، از هر طریقی که میسر بیابند به یاری هموطنان مصیبت دیده خود می شتابند. دست یاری و همکاری آنان به سوی همه هم میهنان گشوده است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جمعه اول تیرماه

تسلیت

هم میهنان! در نخستین دقائق روز پنجشنبه، سی و یکم خرداد، زلزله ای سهمگین بخش های وسیعی از میهنمان را لرزاند. تاکنون ده ها هزار، و به تخمین سازمان جهانی صلیب سرخ، بیش از صد هزار نفر از مردم کشورمان، قربانی این فاجعه بزرگ شده اند، و هر روز هم بر آمار کشتگان افزوده میشود. تعداد زخمی ها چند برابر کشتگان است، هنوز کسان بسیاری زنده در زیر آوار مدفون اند. از چندین شهر و بسیار بسیار روستاهای دو استان گیلان و زنجان تنها ویرانه ای بجا مانده است.

ویرانی ها گسترده اند و خطر شکستن سدهای ترک خورده وجود دارد. ریزش باران در

بخشی از مناطق زلزله زده عملیات نجات و کمک رسانی را کند و محدود کرده و نظر تنگ جمهوری اسلامی در استقبال از کمک های داخلی و خارجی به ابعاد فاجعه دامن زده است.

میهن در سوگ نشست است! در سوگ قربانیان یک فاجعه هولناک، یک فاجعه ملی.

کمیته خارج از کشور سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درمندی همیق خود را از این فاجعه ملی اعلام میدارد و این مصیبت را به مردم محنت دیده ایران بویژه به بازماندگان قربانیان فاجعه صمیمانه تسلیت میگوید.

کمیته خارج کشور سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۶۹/۴/۱



رشت - عکس تلویزیونی ویرانه ها. تلاش برای نجات جان آسانی که در زیر آوار محبوس گردیده اند، آغاز شده است.

اعلامیه مشترک:

حزب دموکرات کردستان ایران - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - سازمان فدائیان خلق ایران - حزب دموکراتیک مردم ایران

علیه استبداد حاکم، از آزادی دفاع کنیم!

تعمیل جنگ داخلی به خلق کرد در ایران و سرکوب خشن و مستمر خواستهای عادلانه ملی - دموکراتیک جنبش کردستان، کشتار مردم شهرها و روستاهای کردستان، حبس، شکنجه و اعدام هزاران تن از جوانان، زنان و مردان آزادیخواه کرد، گوشه ای دیگر از هملکرد و اقدامات رژیم اسلامی است. رژیم اسلامی کار سرکوب خلقها و اعدام و کشتار نیروهای سیاسی را با گسترش تروریسم دولتی در خارج از کشور تکمیل کرده و می کند.

نیمی از جامعه، یعنی زنان ایران، بنابه نظرات و هملکردهای ارتجاعی و قرون وسطائی زمامداران اسلامی از همه عرصه های فعالیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اداری و دانشگاهی رانده شده، در معرض اعمال فشارهای همه جانبه و فیر انسانی ماموران و عوامل رژیم قرار دارد. جوانان در رژیم اسلامی بدون چشم انداز روشن در امر تحصیل و زندگی اجتماعی با معضلات هدیده زندگی روزمره دست به گریبان اند. نابودی صنایع و مختل کردن چرخهای اقتصاد، شمار بیکاران را به بیش از ۴ میلیون رسانده، هزاران هزار کارگر بصورت فردی و دسته جمعی اخراج شده تشکل های کارگری از میان برداشته شده و با گذشت ۱۱ سال از عمر رژیم هنوز یک قانون کار که با مشارکت کارگران تدوین شده باشد، تصویب نرسیده است. رژیم اسلامی، میهن ما را گرفتار بحران همه جانبه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی کرده و روز بروز با هملکردهای ضد دموکراتیک و ضد مردمی بر ابعاد بحران می افزاید.

راه رهایی و نجات ایران از بحران و بن بست سیاسی - اجتماعی، اقتصادی نه در امید بستن به رژیم و اصلاح آن بلکه اساسا در برچیدن بساط دیکتاتوری حاکم، استقرار جمهوری، و تضمین و تامین دموکراسی کامل در جامعه استبداد زده ایران است.

خروج از بن بست کنونی و نجات ایران، با استقرار دموکراسی، برقراری جمهوری دموکراتیک، پلورالیسم سیاسی و احترام به رای و اراده مردم، تضمین خواستهای عادلانه خلقهای ایران و حرکت در جهت استقلال اقتصادی، سیاسی ایران، تامین شدنی است.

هم میهنان! آزادیخواهان!

ما امضاکنندگان این اعلامیه مشترک، همه نیروها، سازمانها، و شخصیت های آزادیخواه را به فعالیت مشترک و متحدانه علیه دیکتاتوری، در دفاع از دموکراسی و به حمایت از تلاشها و فعالیت های سیاسی علیه استبداد حاکم فرامیخوانیم.

با این امید که حاکمیت سیاه جهل و استبداد برافتنده و خورشید آزادی بر بام میهنمان برود!

خردادماه ۱۳۶۹ ژوئن ۱۹۹۰

بوده که در "اقتصاد جنگ" بانک مرکزی تحت تاثیر دولت باشد و دستورات دولت را به ناچار پیروی بکند.

دکتر هادلی در رابطه با این بیان که: "برخی از سیاست ها و تکالیفی که مجلس و بعضا دولت به عهده بانک مرکزی می گذارد، بانک مرکزی را دچار زحمت می کند و کسر بودجه ای که ایجاد می شود و بانک مرکزی ملزم به مراعات آن است، با وظیفه "حفظ ارزش پول" که به عهده بانک مرکزی است مغایرت دارد، میگوید: "اینگونه مسائل برای بانک مرکزی زحمت درست نمی کنند بلکه برای کل جامعه

هم میهنان! نامه سرگشاده ۹۰ نفر از نیروهای سیاسی ملی - مذهبی خطاب به ماشمی رنسنجانی در اعتراض و انتقاد هلنی و دستجمعی نسبت به حاکمیت استبدادی و طرح مطالبات آزادیخواهانه، حرکت سیاسی مهمی است که از زاویه شکستن جو سکوت و اختناق، تاثیرات مثبتی بر فضای سیاسی میهنمان بر جای میگذارد.

نامه سرگشاده که در سطحی گسترده و برای اولین بار با مضای هلنی و دسته جمعی ۹۰ نفر انتشار یافته، خود بیانگر تغییراتی جدید و مثبت در شرایط فضای سیاسی جامعه و نشانه گسترش روحیه اعتراضی و انتقادی نسبت به هملکردهای رژیم خودکامه جمهوری اسلامی است.

نامه سرگشاده در انتقاد از خودکامگی و استبداد حاکم می نویسد:

بندهای اختناق و انحصار سال به سال تنگتر و تیزتر شده است. نظام جمهوری اسلامی با گامهای بلند خصوصا بعد از بازنگری و اختیارات مافوق قانون که رهبری و حاکمیت بخود داده اند، سیر تقزانی و ضد انقلاب و به استبداد مطلقه و به سلطه و به سلطنت موروثی روحانیت نموده است.

رژیم اسلامی که هرگونه انتقاد حتی در چارچوب قانون اساسی خود را نیز ضربه ای به پایه های حاکمیت استبدادی و دیکتاتور منصفانه خود میدانند، از طریق مملوهای دولتی انتشار دهندگان نامه سرگشاده را "مفسد"، "خائن"، "عامل خارجی"، "تامیداتان را متهم به قصد براندازی نمود تا بدین طریق و با جوسازی و جار و جنجالهای تبلیغاتی و سرکوب هرگونه صدای اعتراض و انتقاد و با راهب مردم از بروز و گسترش اعتراضات و سبقت مردم جلوگیری کند.

ما، انتشار نامه سرگشاده ۹۰ نفر را، یک حرکت اعتراضی در برابر حاکمیت دیکتاتوری رژیم اسلامی و در دفاع از آزادیهای سیاسی ارزیابی میکنیم. از چنین اقدامی که در جهت تضعیف استبداد و سست کردن بندهای خفقان است حمایت می کنیم و اعمال فشار و تضییقات رژیم اسلامی نسبت به انتشار دهندگان نامه سرگشاده را قویا محکوم میکنیم.

در همین حال، از دید ما دفاع از دموکراسی و آزادیهای سیاسی امری تجزیه ناپذیر است و بر این مبنا، انتشار دهندگان نامه سرگشاده نمی توانند، سکوت خود نسبت به سر نوشت دهها هزار زندانی سیاسی و قتل هام چندین هزار تن از منسوبین سازمانها و نیروهای چپ، دموکرات و مترقی و ادامه دستگیری و شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را چگونه توضیح دهند؟

بعلاوه، تقاضای محدود انتظار دهندگان نامه سرگشاده در باره آزادی "حزب و جمعیت های سیاسی و مطبوعاتی که فعالیت قانونی و هلنی دارند" باید به طرز فزاینده ای از دموکراسی و آزادی فعالیت سیاسی تمامی نیروهای سیاسی ناسازگار است.

استقلال بانک مرکزی از دولت

دکتر هادلی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در مصاحبه ای با ماهنامه تازه های اقتصادی مطالبی را در مورد رابطه دولت و بانک مرکزی، دستورات پولی و مالی دولت و چاپ بدون پشتوانه اسکناس (تامین کسر بودجه دولت توسط بانک مرکزی) ابراز داشته است. قسمت هایی از این مصاحبه به قرار زیر است:

"... استقلال بانک مرکزی، چه در تئوری و چه در عمل یک رکن است یعنی از ارکان و جزئی

طبیعت و ماهیت بانک مرکزی در دنیا محسوب میشود. اصلا بانک مرکزی بدون استقلال پولی مخومی ندارد و بانک محسوب نمیشود... استقلال به این معناست که از دستورات پولی و مالی دولت مستقل باشد و بر اساس پارامترهای اقتصادی و در چارچوب برنامه عمل کند." "رئیس کل بانک مرکزی در پاسخ به سوالی در مورد افزایش وابستگی بانک مرکزی پس از انقلاب به دولت میگوید: "این امر اجتناب ناپذیر بوده و... تا حدود زیادی طبیعی

نتیجه تحقیقات

در مورد ترور دکتر کاظم رجوی

در سوئیس گزارشی از تحقیقات انجام شده پیرامون ترور دکتر کاظم رجوی انتشار یافت. این گزارش توسط قاضی "شتلن" بر مبنای تحقیقات پلیس فدرال سوئیس و پلیس کانتون "ورد" تهیه شده است.

بر مبنای این گزارش مجموعا ۱۳ نفر از عوامل جمهوری اسلامی در تدارکات و تحقیقات و خود حمل ترور شرکت داشته اند. این افراد جمعا سه بار در اکتبر ۸۹، دسامبر ۸۹ و آوریل ۹۰ وارد سوئیس شده اند. تروریست های جمهوری اسلامی دو اتومبیل در لوزان و ژنو کرایه کرده و کارهای شناسایی را با این دو اتومبیل به انجام رسانده اند. ۴ نفر از آنان در حمل ترور شرکت داشته اند. آنان بعد از ترور در عرض ۲ ساعت به وین - اتریش رفته اند. اسامی تروریست هایی که قبلا اعلام شده بود در این گزارش نیز تأیید شده است. در همان زمان دو تن از مقامات رژیم نصف آبادی و آخوندزاده در ژنو بوده اند.

بر اساس گزارش مزبور تروریست ها همگی پاسپورت هایی همراه داشته اند که نشان میداد از یک یا چند شرکت ایرانی دارای مأموریت بوده اند.

به دنبال انتشار گزارش "شتلن"، آقای پیر ایوسیمون مسئول بخش سیاسی دپارتمان امور خارجه اداره امور خارجه سوئیس منشی سفارت جمهوری اسلامی بمن آن قاضی در مانی را احضار کرد و ناراضی و تکرانی دولت سوئیس را به دولت متبوع وی ابراز کرد و اعلام داشت که این گزارش در سطح بالاترین مقامات سوئیس تحت بررسی است.

کمک های مالی رسیده

ایتالیا

کمک به خانواده شهدا از فرارا	۷۰۰۰۰۰ لیر
برای رفقای ایران - مریم	۳۰۰۰۰۰ لیر
کمک به خانواده زندانیان سیاسی باکد ۵۱	۱۰۰۰۰۰۰ لیر
C.G.L...Terento	۳۰۰۰۰۰ لیر
P.C.I...Terento	۵۰۰۰۰۰ لیر

يك فاجعه بزرگ ملی

بقيه از صنم اول روستاهای این منطقه تا کرانه خزر و تا نزدیکی های قزوین و زنجان ویران شده اند. در استان زنجان ۴۵۰ روستا صدمه دیده است و از ۱۵۰ روستا هیچگونه اثری بر جای نمانده است. امکان در هم شکسته شدن سدهای ترک خورده در منطقه جدی است. در صورت بروز این فاجعه، بر ابعاد مصیبت افزوده می شود. جمهوری اسلامی در این زمینه سکوت کرده است. روز جمعه در گیلان باران بارید و این هم بر مصیبت های فاجعه افزوده است.

خبرگزاری ها از قول خلبان های ایرانی که بر فراز منطقه زلزله زده پرواز داشته اند، گزارش کرده اند: "بین رشت و لوشان، یعنی در یک فاصله ۱۲۰ کیلومتری هیچ جای سالمی به چشم نمی خورد. جایی رانمی توان یا فت که آجر بر روی آجر بند شده باشد." گفته می شود در دهه های اخیر در ایران چنین زلزله ای با چنین ابعادی سابقه نداشته است. خسارت هایی که زلزله اخیر به بار آورده به مراتب بیشتر از زلزله های خراسان، بوئین زهرا، لار، طبس و کرمان است.



پدری در منجیل جگر گوشه اش را برای جدایی ابدی بر سینه نشرده با خود می برد.



اجساد هزاران خود را به خاک می سپارند

زلزله ها و حکومت ها

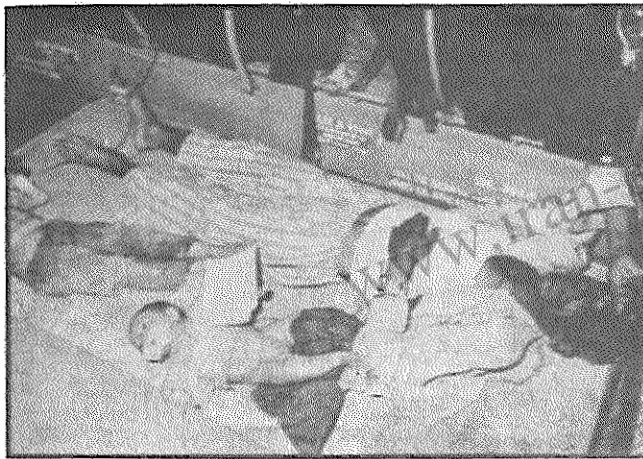
زلزله ها در ایران فقط دل زمین را نمی شکافند، همی فساد و بی لیاقتی حکومت ها را هم به نمایش می نهند. زلزله طبس را همه به خاطر داریم. در آستانه انقلاب بود. مردم خود توانستند به کمک زلزله زدگان بشتابند و با چشم باز ببینند که کارگزاران رژیم فاسد شامی چگونه بودجه و کمک هایی را که اسما به زلزله زدگان اختصاص داشت، حیف و میل کرده و بالامی کشند. در زلزله خراسان و بوئین زهرا نیز همین فساد کاری ها رواج داشت. پس از انقلاب برخی پرونده ها رو شد و معلوم گردید که چه کاهمایی از قبل ویرانی کلبه های محرومین بر پا گشته است. این زلزله نیز چنین است. از کمک واقعی خبری نیست. نه می توانند و نه می خواهند که خانه های ویران را این بار با هلم و اطلاع به زلزله خیز بودن منطقه، بازسازی کنند. اکنون مدام از "کمک های مردمی" سخن می گویند، لابد از طریق بنیادهای به اصطلاح خیریه ای همچون بنیاد الهادی، که این روزها در همه جا مصیبت از رسوایی ها است که به بار آورده است. مردم در همه جای ایران برای کمک به زلزله زدگان بسیج شده اند، اما آخوندها مانع کمک رسانی مستقیم آنها می گویند. جاده قزوین را بسته اند و فقط به "ارگان های مسئول" اجازه عبور می دهند. می گویند کمک هایتان را بدهید به این ارگان ها. در زمان شاه هم می گفتند بدهید به شیر و خورشید. اما مردم در زلزله های خراسان و بوئین زهرا و طبس دیدند که با کمک هایشان چه کرده اند. در زمان شاه اگر یک کیسه وجود داشت که همه کمک ها از طریق آن سراز جای دیگری در می آورد، امروز هر آخوندی و هر مقام به اصطلاح مسئولی صاحب کیسه ای برای خود است. در ایران فساد هیچگاه این چنین رواج نداشته است. زلزله در گیلان و زنجان زمینهای است برای فسادکاری های تازه. در افشای این فسادها بکوشیم.

کمک های جهانی مانع ایجاد می کند. به نیروهای کمک رسانی خارجی از جمله پزشکان فقط به مدت ۲۴ ساعت ویزا داده اند. رژیم از رفتن نیروهای کمک رسان به منطقه که سگ های تعلیم دیده ای را برای یافتن زندگان مانده در زیر آوار و اجساد به همراه داشته اند، از جمله به "دلایل شرعی" - این که غیر مسلمان نباید جسد مسلمان را لمس کند - جلوگیری کرده است.

کمک جهانی به زلزله زدگان ایران

پتو و دیگر وسایل لازم به ایران فرستادند. ایالات متحده آمریکا و عراق نیز به جمهوری اسلامی پیشنهاد کمک کردند. بازار مشترک اروپا تنها چهار میلیون دلار به این امر اختصاص داد که در اختیار جمهوری اسلامی قرار گیرد. رژیم تهران در جذب

* جمهوری اسلامی به پزشکان خارجی تنها ۲۴ ساعت ویزا داده و از ورود کارشناسان و وسایل یافتن زندگان زیر آوار مانده جلوگیری کرده است. پس از وقوع زلزله در ایران، جهانیان برای کمک به زلزله زدگان بسیج شدند. صلیب سرخ جهانی در همه کشورها برای کمک به زلزله زدگان ایران دست به اقدامات عملی زد، از جمله شماره حسابی را برای جمع آوری کمک مالی اختصاص داد. فرانسه، سوئیس، شوروی و آلمان هواپیماهایی مملو از دارو و



پدر و دو فرزند باقیمانده یک خانواده و همگی مجروح در انتظار مدد در مان

در خارج از کشور برای کمک به زلزله زدگان از دست ما چه بر می آید؟

عملی است که از دست هر ایرانی متقیم خارج بر می آید. با تمام توان در این زمینه تلاش کنیم، به ابتکارات مختلف برای کمک به هم میهنان مصیبت زده متوسل شویم و بکوشیم به احساس همبستگی خود، تجسم هیینی و عملی دهیم.

شماره حساب هایی که صلیب سرخ جهانی در کشورهای مختلف برای کمک به زلزله زدگان ایران اختصاص داده است، جمع آوری دارو، وسایل پزشکی، پتو، چادر و وسایلی از این قبیل و رساندن آن به مراکز مختلفی که در هر کشور وجود دارد، از جمله آن اقدامات

در پی انتشار وقوع زلزله در گیلان و زنجان، که خسارت های جانی و مالی عظیمی به بار آورده و آن را باید یک فاجعه عظیم ملی دانست، این پرسش برای همه ایرانیان در خارج کشور مطرح شده است که برای کمک به زلزله زدگان، از دست ما چه بر می آید؟ مشخص است که رژیم سفاک آخوندی مانع کمک مستقیم ایرانیان خارج از کشور به هم میهنان مصیبت زده است. اگر این مانع عمل نمی کرد توده وسیعی که در میان آنها افراد دارای تخصص نیز فراوانند، حاضر بودند بلافاصله به کمک هم میهنان خود بشتابند؛ همه می توانستند در یک بسیج همومی برای جمع آوری پول و وسایل پزشکی و دیگر امکانات شرکت کنند و کمک های خود را مستقیماً به دست هم میهنان خود برسانند. هر جا که بتوان این مانع را به نحوی دور زد، باید از اقدام مستقیم فروگذار ننمود. به عنوان مثال آن دسته از پزشکان ایرانی که امکان سفر به ایران را دارند، می توانند مبتکر جمع آوری کمک های دارویی شده و خود راهی منطقه زلزله زده شوند.

توده ایرانیان نباید فقط به ایران محدودی اکتفا ورزند. آنچه که اهمیت فوق العاده ای دارد احساس کمک عملی کردن است و نه کمیت و کیفیت کمک. ذهن خود را نباید فقط روی این مساله متمرکز کنیم که ممکن است رژیم فاسد آخوندی کمک های مالی و جنسی را وسط راه به نفع خود ضبط کند. به هر طریقی که ممکن است باید به طور عملی کمک کرد. واریز کردن پول به



بخشی از مجروحینی که شانس انتقال به تهران را یافته اند. تاکنون پزشکان میات های بین المللی کمک رسانی را انتظار تهران مستقر کرده اند. راه ورود به گیلان و زنجان را از قزوین بسته اند و اجازه ورود مردم داوطلب کمک را نیز نمی دهند.

پاسخ یک انتخاب کننده به سوال :

”چه انتظاری از کنگره داریم و با چه هدفی به کنگره می رویم؟“

بنظر من اولاً کنگره رانایستی در چارچوب "اجلاس نمایندگان انتخاب شده" (اجلاس کنگره) خلاصه نمود، بلکه بایستی مفهوم واقعی کنگره یعنی گردآوری و اعمال نظر جمع را مورد توجه قرار داد. باین ترتیب کنگره پروسه‌ای است که مدتها پیش شروع شده و می‌باید تداوم یافته و تکامل یابد. در ضمن بایستی در نظر داشت که کنگره به همان میزان افراد و نظرات شرکت کننده محتوی دموکراتیک می‌یابد و لذا به درستی نیروهای راکه جنبش ما متاسفانه در آن پروسه از دست داده و نیز نیروهایی را که تاکنون به بهانه جلوگیری از یاریگیری و رای گیری بیرون در قرار داده بودیم، می‌بایست به شرکت فعال، اظهار نظر و اعمال اراده دعوت نمود.

سازماندهی دموکراتیک در یک حزب متحد فراگیر چپ را بانفی سکتاریسم، گروه‌گرایی و ذهنی گرای جستجو نمود و فراگرفت و بهیچوجه بر اساس پلاتفرمهای منسجم برنامه‌های نیروهای خودمان رابه‌تقابل نگشاییم. البته مکانیسم عملی برای تبدیل نظرات درست افراد (چه رهبری و چه بدنه) به نظر اکثریت جمع باید جستجو و پیاده شود. بعنوان مثال ما هنوز در مقایسه با احزاب و جنبشهای چپ دموکراتیک در اروپا در زمینه تدوین خط مش سیاستها و نیز ساختارهای دموکراتیک فرسنگ ها عقب هستیم. یکی از عرصه‌های مهم مبارزه سالانه این احزاب و جنبشها تلاش برای گذراندن قطعنامه‌های مشخص برای پیشبرد سیاستهای خاص روزمره از واحد پایه تا کنگرانسیا کنگره است. هم چنین کنگره‌های سالانه آنها بر اساس آیین نامه

تدوین یافته و نسبتاً پیشرفته‌ای برگزار می‌گردد تا حد اکثر فرصت رابرای حل و فصل قطعنامه‌ها در مدت کوتاه زمانی اجلاس فراهم آورد. یکی از کلیدهای حل مشکلات جنبش چپ ایران بنظر من فراگیری این اصول و شیوه‌های دموکراتیک است تا اعمال نظر اعضا و واحدهای پایه سازمانی را از جمله از طریق ارائه قطعنامه به کنگره فراهم آورد.

گفت و گو

آزمایش موفقیت را از سر بگذرانند. اکنون پس از دوازده سال، همچنان فرو نشسته، زندگی تاحدود معینی ریتم طبیعی یافته و مردم در حال فکر کردن و ارزیابی همه آنچه برایشان رفته است، هستند.

شماره ۱- شانس آورده‌ای که اوضاع زمانه هوش شده و گرنه باین حرف ها، تضافات یا شبه "استرو" لگالیست می‌شد یا مارتف منشویست! اما با همه این حرف هائی که می‌زی آیاراه میان بری را در نظر داری؟ آیا گمان می‌کنی که این نیروی روشننگر و بی شکل و بی تشکیلات بتواند چاره‌ای به کار ما کند؟ و بالاخره آیا نمی‌شود که از همین پتانسیل موجود و باقیمانده در سازمانهای چپ در راستای مورد نظرت استفاده کرد؟

شماره ۲- من دنبال هیچ راه میان بری نیستم و خیال می‌کنم که الان مردم هم آماده ریختن به خیابان نیستند. لذا دوره، دوره صدور اعلامیه‌های داغ داغ و شعارهای تند نیست، باید نشست و کار جدی و همیگ کرد. بی تعارف، همه ما در دست کم ۱۵ سال اخیر، در حال "شلوغ کن داداش" بوده‌ایم. اما الان دیگر باید با آرامش نشست، کار کرد و راه جست. این کار، هم در راستای زندگی شخصی مان مخید است و به آن محتوی می‌دهد و هم برای نهضت اجتماعی که سنگش را به سینه می‌زنیم ثمره بیشتری می‌دارد.

شماره ۱- من به عنوان مثال در این زمینه‌ها می‌خواهم به موج خاطره نویسی رجل سیاسی و اجتماعی کشور اشاره کنم و به مثابه مظهر فعالیت نیروی روشننگر مورد بحث، به مجلات و نشریات موفق که در داخل و خارج به سازمانگری اندیشه تحول طلب پرداخته است.

شماره ۲- برگردم به وضع نیروهای چپ در این زمینه. به گمان من نیروهای چپ به معنای وسیع، همانا نیروی قدرتمند این جنبش روشننگری و روشننگری است. ولی وزن اصلی این نیرو به هیچ ترتیب که در چارچوب احزاب و سازمانهای موجود چپ نمی‌گنجد. زیرا که این قالب، تنگ است. این طرف کوچک است. و محتوی تاکنون موجود آن هم به معنای تاریخ معاصر، ناموفق. به همین دلیل، نیروی مورد بحث در حال بررسی حرکت چپ در جامعه عقب نگاه داشته شده‌ای مثل ما، در کنار یک نیروی ملی، آزادیخواه و فرم‌یست در طول تاریخ صدسال اخیر ایران است: در تاریخ مشروطیت، اجتماعیون

معمولاً رسم بر این است که پرسش‌ها و نظرات و انتظارات از کنگره، قبل از انتخاب نمایندگان آن طرح می‌گردند. ولی اخیراً نشریه اکثریت به دلیل آنکه "نمایندگان کنگره انتخاب شده‌اند" ستونی برای سئوالات و انتظارات از کنگره باز کرده است، حال حکمت این کار و این دیر کرد در چیست، حاکمان دانند! هلیرقم آن، سخن گفتن در این باره، هر چند دیرتر از موعد، حداقل به مثابه درد دلی با هم‌زمان خالی از لطف نخواهد بود.

این مدها درست و واقعی است که بیش از سه سال بیشترین انرژی سازمان صرف جر و بحث بر سر چگونگی ضوابط برگزاری کنگره شده است. اغلب مسائل تحت الشعاع قرار گرفته و راه حل تمامی معضلات و نابسامانی‌ها به فردا حواله گشته است. اینک آن فردایی که به مصلحت آن، دیروز و امروز بهای گزافی پرداخت کرده‌ایم در پیش روی ماست. گام‌های اولیه برگزاری "کنگره" برداشته شده است. متاسفانه چنانکه انتظار می‌رفت و از سپیده‌دمان این فردا پیداست، آن نیز به حکم منطق ادامه طبیعی و قانونمند دیروز است. برگزاری کنگره به این شیوه می‌رود که در راستای روند ویرانگر سالهای اخیر در سازمان و هم سو با آن امید و سنگر آخرین مابقی کنگره واقعی و دموکراتیک را از طریق مسخ و توحائی کردن آن تسخیر نماید و تا شاید امید توده‌های تشکیلات و هواداران نیز به یاس مبدل گردد. به دیگر سخن این "کنگره" سیاست روز در راستای روند شتابان اضمحلال و فروپاشی سازمان است.

در جهان دگرگون شده امروز که بسیاری از اسلوب‌ها و موازین ما تحت تاثیر نگرشی وسیع و نو نسبت به خویش و محیط پیرامون تغییر یافته‌اند و هسته این تغییر در حیات حزبی، همانا ارزش انسان و اندیشگی وی و دموکراسی تعالی بخش درون حزبی است، رهبران ما، ما را به کنگره‌های می‌برند که شیوه و اصول آن حتی فرسنگها از کنگره‌های سنتی، قدیمی و فرمایشی نیز عقب است.

الگو برداری نیست. فقط می‌خواهم بگویم که نباید فرم‌هایی که به آن عادت کرده‌ایم را آیه‌های آسمانی تلقی کرد. هر کسوری راه خاص خویش را می‌رود و ما هم باید راه ویژه خویش را بیابیم. اما یک نکته بر من روشن است و آنهم اینکه با حفظ وضعیت امروزی این تشکلهای تاکنون موجود، نمی‌شود راه آینده را هموار کرد.

شماره ۱- من هم مدافع حفظ این محائل کوچک با ادعاهای بزرگ نیستم و بر آنم که باید همه این نهرها به رودخانه بزرگ بیبوندند. ولی همین نهری که من وتو سالهای سال شناگرش بوده‌ایم را نمی‌شود به امان خدایا کرد. با همه این کژی‌ها و کاستی‌ها، بین ما دوستی، محبت و رفاقت چند ساله وجود دارد. تجربه سالها کار مشترک با یکدیگر را داریم، امکانات یک جمع و اعتبار معین تاریخی را پشت سرمان. آیا صحیح است که همه اینها رایکاره نادیده گرفت؟ کدام حتی بازرگان متوسط الشعوری با سرمایه‌اش چنین می

نامش را تغییر دهید!

اگر همگی بر این عقیده‌ایم که کنگره تجلی‌گاه دموکراسی و خرد جمعی و محل نظردهی نهایی توده‌های تشکیلاتی در مورد مسائل مورد بحث در سازمان است، پس بایستی از خود بیرسیم که می‌خواهیم در مورد کدام مسائل که مورد بحث جدی در تشکیلات قرار گرفته‌اند نظر دهیم و بر مبنای همین نظر برای کنگره نماینده انتخاب کنیم؟ قرار بر این بود که از طرف کمیسیون برنامه نکته نظرات موجود به تشکیلات ارائه شود. این تصمیم بعد از چند بار تمذید به پوته فراموشی سپرده شد. توده‌های تشکیلاتی حتی یک جلسه هم روی مسائل اصلی کنگره به بحث ننشستند و از کنگرانس‌های پیش کنگره خبری نشد. حال معلوم نیست اعضای تشکیلات با اتکاء بر چه معیار و مبنایی نمایندگان خود را انتخاب کرده‌اند و از آنها چه انتظاراتی باید داشته باشند! آیا ما برای همیشه محکوم به این هستیم که در چهارچوب تنگ جناح، بدون اراده و آگاهی، ماشین رای این جناح و یا آن جناح باشیم! آیا هنوز نمی‌خواهیم از تجربه تلخ حل شدن افراد و اذهان در قالب خشک و خشن تحزب مصلحتی و بیگانگی انسان از خویش درس بگیریم و ذهن و فکر خود را به دست تقدیر جناح و دسته نسپاریم؟ آیا اینگونه به کنگره رفتن، حرکت چشم بسته در دالان تنگ و تاریک جناح نیست؟ اگر نیست، پس معیار و مبنای انتخاب آگاهانه کدام است؟ کدام نظر و پلاتفرم در تشکیلات به بحث گذاشته شد که نزدیکی به این یا آن دیدگاه، مبنای نزدیکی آرای ما باشد؟

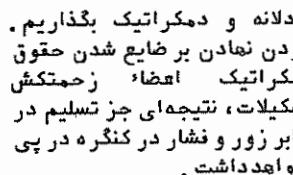
ضوابط غیر دموکراتیک و ناهادانه "کنگره"، که بالاخره پس از سالها کشمکش و بارها لغو و تایید و تغییر، در بدترین حالت ممکن ارائه شد و کمیته خارج نیز دسته گلی بر سر آن زد، نیازی به توضیح بیشتر ندارد. ناگفته پیداست جمعی که بر اساس این موازین غیردموکراتیک جمع شود، نخواهد توانست حافظ دموکراسی و حق و حقوق توده‌های تشکیلاتی باشد. اگر می‌خواهیم از دموکراسی و عدالت دفاع کنیم بایستی از همین امروز سنگ بنای

تنها انتظار ما از این جمع که به جای کنگره واقعی که حق مسلم همه ماست، سر هم بندی می‌شود این است که به احترام دموکراسی و عدالت، به احترام تاریخ پر فراز و نشیب و پر درد و رنج سازمان و به احترام رفقای در بند و رفقای از دست رفته‌مان، و برای جلوگیری از حرمانی که در پی این "کنگره" در ذهن اعضا و هواداران داخل و توده‌های مردم و نیز بخش وسیعی از نیروهای خارج از کشور نسبت به سازمان بوجود خواهد آمد، نام آن از "کنگره سازمان" به "گردمهایی نیروهای خارج از کشور سازمان" تغییر داده شود.

ر - واله

کنند؟ آیا نمی‌شود که از همین اندوخته موجود در راستای صحیح استفاده کرد؟ مگر تفاوت اندیشه، بین ماها چقدر زیاد است که نتوانیم باز هم در کنار هم باشیم و آینده را با فرم و محتوای جدید بسازیم. درون همین نهرها، انرژی قابل توجهی نهفته است. فقط نباید به شن زار شن کشاند و برای بروزش زمینه را فراهم کرد. ویران کردن سهل است ساختنش است که غیرت و هرق ریختن می‌خواهد. آنچه از این ساختمان مانده است را نباید به زور کلنگ به تل خاک مبدل کرد. دست کم مصالح موجود در آن برای ساختن بنائی جدید به کار می‌آید. من گمان می‌کنم که باید به کنگره رفت، همین حرف‌ها را گفت و برای این دگرگونی‌سازی پرداخته از این امکان هم سود جست...

آدم‌های نمایش از نشستن در اتاق خسته شده‌اند. در رباب می‌کنند و به فضای بیرون می‌روند. هوای بعد از باران، لطافت برگ گل را دارد. "گفت و گو" همچنان ادامه می‌یابد.



هادلانه و دموکراتیک بگذاریم. گردن نهادن بر ضایع شدن حقوق دموکراتیک اعضا، زحمتکش تشکیلات، نتیجه‌ای جز تسلیم در برابر زور و فشار در کنگره در پی نخواهد داشت.

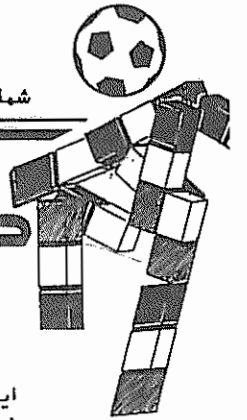
جمعی که به نام کنگره رسمیت می‌یابد، در واقع گردمهایی بخشی از نیروهای خارج از کشور است. بر همگان آشکار است که نیروی داخل، یعنی سرمایه و پایگاه اصلی و واقعی سازمان هیچ نقشی در این "کنگره" ندارد. بر تجمع و تصایم بخشی از خارج نشینان، آن هم به این شکل و با این ضوابط نام کنگره سازمانی نهادن، ظلمی است که در حق تاریخ ۲۰ ساله سازمان و نیروهای پراکنده اما صادق و پایدار اعضا و هواداران داخل، یعنی صاحبان اصلی آن روا داشته می‌شود.

بخش بزرگی از اعضا و کادر - های خارج نیز با دلایل متفاوت در انتخاب نمایندگانی که نشریه اکثریت خبر آن را می‌دهد شرکت نکرده‌اند هلیرقم تنوع و گوناگونی این انگیزه‌ها، منصری قوی و کاملاً درست در این میان عمل کرده است و آن اینکه عده‌ای نخواستند ورته رایشان سند تعلق آنها به جناح خاصی بوده، بلکه بر گه آگاه و بیدار وجدانشان باشد که به اراده خود و با تکیه بر فکر خود با آن عمل کنند.

ر - واله

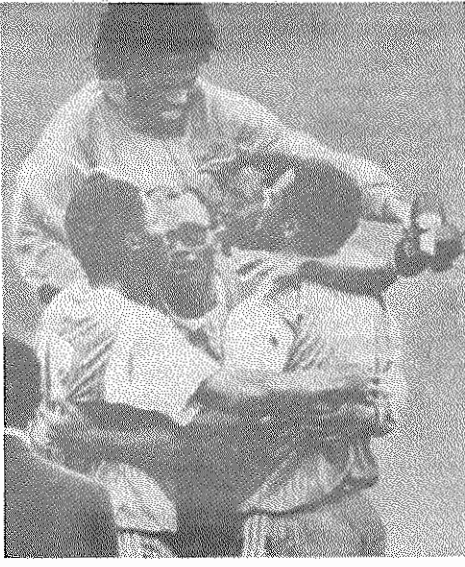
خبرها و نظرها

بقیعاژ صمحه ۹ "مسئله دیگری که باید بر آن تاکید کرد، طولانی شدن حرکات کارگری بطور کلی و پیدایش اعتصابات نسبتاً طولانی مدت در واحدهای بزرگ صنعتی است که به روشنی رشد سازمانیابی این بخش از کارگران را نشان می‌دهد... در این رابطه از جمله می‌توان به اعتصاب یک هفته‌ای کارگران کشت و صنعت کارون، اعتصاب ۶ روزه تورد اهواز، اعتصاب ۹ روزه کارگران آدامس خروس‌نشان، اعتصاب یک ماهه کارگران پروژه شهرسازی اراک، اعتراض چندین هفته‌ای در صنعت نفت و بالاخره بیش از یک سال اعتراض مداوم در گروه صنعتی ملی که سرانجام به اعتصاب بزرگ این واحد تولیدی در دی ماه ۶۸ منجر گردید اشاره نمود."



گام به گام جام چهاردهم

اولین تیم آفریقائی در مرحله یک چهارم نهائی



روز جمعه، مسابقات مرحله یک هشتم نهایی جام جهانی بادیار کامرون کلمبیا آغاز شد. کامرون توانست این دیدار را با دو گل راجر میلیا با زدن ۳۸ ساله اش، به سود خود پایان دهد و به عنوان اولین تیم، جای خود را در مرحله یک چهارم نهایی تضمین نماید. کلمبیا تنها توانست یکی از دو گل خورده را تلافی نماید ولی این برای صعود به دور یک چهارم نهایی کافی نبود و کلمبیا به عنوان اولین تیم از مرحله یک هشتم نهایی جام حذف شد.

راجر میلیا که به اصرار همسر خود و با توصیه شخص رئیس جمهور کامرون در ترکیب ملی پوشان کشور گنجانده شده، در وقت اضافی این دیدار کسالت آور دوبار تیزبینی و توانائی خود را به نمایش گذارد. نتیجه اینکه کامرون اولین تیم آفریقائی گردید که به مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی راه می یابد.

روز ۲۱ ژوئن، مرحله اول دور نهایی چهاردهمین جام جهانی فوتبال مردان - ایتالیا ۹ - به پایان رسید و ۱۶ تیم به مرحله یک هشتم نهایی آن راه یافتند. ۸ تیم دیگر چندانهای خود را به تصد خانه بستند. مسابقات مرحله یک هشتم نهایی جام از روز ۲۳ ژوئن آغاز شد. دیدارهای مرحله بعدی جام بصورت حذفی برگزار خواهد شد. جام چهاردهم، بی شک شگفت ترين جام های جهانی بوده است. در هر یک از دوره های قبلی جام های جهانی نیز شگفتی هایی رخ داده بود، اما این بار در ایتالیا، کمتر دیداری بود که با نتیجه ای غیرمنتظره پایان نیابد. در زیر نگاهی داریم بر دور اول بازی ها و دیدارهای انجام شده مرحله یک هشتم نهائی.

چکسلواکی - فوتبالی با کلاس بالا آمریکا - حریفی قدر

تیم اول گروه یک در دیدار ایتالیا - چکسلواکی مشخص شد. ایتالیا با پیروزی هائی ضعیف بر اتریش و آمریکا پایه دیدار چکسلواکی نهاد که با فوتبالی زیبا و غیر قابل انتظار در آرزوی سومین پیروزی بر وی چمن آمده بود. در مسابقه ای دیدنی، ضعف داوری و حمایت تماشاگران به مدد ایتالیا آمدند تا با دو گل بر چکسلواکی پیروز شود. تیم اتریش که امید صعود به مرحله دوم به شمار می رفت کمتر از انتظار ظاهر شد. در مقابل، تیم ایالات متحده آمریکا، که دارای پائین ترین میانگین سنی میان تیم های شرکت کننده بود، پس از شکست سنگین در مقابل چکسلواکی، با ارائه بازی هایی شگفت، اتریش و ایتالیا را به زحمت انداخت.

شوروی - بدشانسی مجدد، پیروزی دیر هنگام آرژانتین - هنر پیشه ای به نام مارادونا

در گروه ۲ همه چیز به هم ریخت. کامرون با ارائه فوتبال خشن و محکم و با کسب امتیاز از سد آرژانتین و رومانی گذشت. هر دو این تیمها با نتایج مشابه ۲ بر صفر در مقابل شوروی به پیروزی رسیدند.

چکسلواکی به نیمه نهائی می اندیشد



سوئد - در حسرت صعود برزیل - تاسف آور

در گروه ۳ برزیل با انجام بازی هائی کسالت آور و پائین تر از آوازه خود، بر هر سه رقیب پیروز شد و به عنوان تیم اول گروه به دور بعد راه پیدا کرد.

کوستاریکا تیم دیگر آمریکای لاتین با پیروزی بر دو تیم اروپائی و تنها یک شکست در مقابل برزیل به عنوان تیم دوم به دور بعد راه یافت. در پیروزی های این تیم، دروازه بان آن نقش بی بدلی ایفا کرد. اسکاتلند علیرغم آنکه دو امتیاز دیدار با سوئد را از آن خود ساخت، نتوانست به دور دوم راه یابد. اما در پیخ-آور سر نوشت تیم سوئد بود که با وجود فوتبالی قابل تحسین متحمل سه شکست شد و در همان ابتدا با جام وداع گفت.

آلمان فدرال - امید به فتح جام یوگسلاوی - در راه بازیابی خود

بازی های گروه چهار با برتری چشمگیر آلمان فدرال آغاز شد. این تیم موفق گردید در یک بازی زیبا و بی منطق با نتیجه ۴ بر یک بر یوگسلاوی برتری جوید، سپس دو امتیاز از امارات متحده عربی گرفت و در دیدار پایانی خود در مقابل کلمبیا صف آر است. در این دیدار تیم آلمان فدرال طی یک بازی ضعیف، مقهور قدرت و تکنیک تیم آمریکایی شد و امتیازهای بازی را با آن تقسیم کرد. یوگسلاوی در دوبازی دیگر خود به پیروزی رسید تا به عنوان تیم دوم به دور بعد راه یابد. کلمبیا با سه امتیاز سوم شد و به دنبال دو تیم دیگر پا به مرحله بعدی گذاشت. تیم امارات که برای اولین بار در مرحله نهائی یک جام جهانی فوتبال شرکت می جست با سه شکست دیدارهای خود را پایان بخشید.

جدول بازی های جام چهاردهم - ایتالیا ۹

Table with 5 columns for groups 1 to 5. Each column lists teams and their scores in matches. Group 1: Italy vs Czechoslovakia (4-0), Italy vs USSR (1-0), Czechoslovakia vs USSR (1-1). Group 2: Cameroon vs Argentina (2-0), Cameroon vs Romania (2-0), Argentina vs Romania (0-0). Group 3: Sweden vs Brazil (1-0), Sweden vs Costa Rica (1-0), Brazil vs Costa Rica (2-0). Group 4: Germany vs Yugoslavia (4-1), Germany vs USSR (1-0), Yugoslavia vs USSR (1-1). Group 5: USA vs South Korea (2-0), USA vs Spain (2-0), South Korea vs Spain (1-0).

در دومین دیدار مرحله یک هشتم نهائی، چکسلواکی به مصاف کوستاریکا رفت. تیم چکسلواکی جز در اوایل نیمه دوم بر توپ و زمین مسلط بود و توانست دیدار را با نتیجه ۴ بر یک به نفع خود پایان دهد. در این دیدار اسکوهوهای مهاجم چکسلواکی با به ثمر رساندن سه گل از چهار گل تیمش به پنج گل زده در صدر جدول گل زان جام قرار گرفت. گل چهارم این تیم توسط کوبیک زده شد. ضربه آزاد استادانه او، توپ را به تور دروازه کوستاریکا دوخت، بدون آنکه جای هیچگونه عکس العملی برای دروازه بان و دیوار دفاعی کوستاریکا باقی بگذارد. دروازه بان کوستاریکا که بازی درخشانی از خود ارائه نمود، مانع از به ثمر رسیدن گل های بیشتر برای چکسلواکی شد. کوستاریکا توسط گونزالس، مهاجم جوان تیم، به تنها گل خود دست یافت.

گوشی را بیدار دست راستش برداشت. صدایی آشنا شنید: -بفرمائید! الو! بفرمائید! دست های محتاب می لرزید. صدای پدرش بود. آه چقدر صدایش پیر شده، چقدر ضعیف شده. دلش می خواست انگشت کوچکش را از دهان بیرون بیاورد و فریاد بزند: "آقا جان سلام! دختر تو! منم، محتاب تو، آقا جان! الهی دورت بگردم، فدات بشم آقا جان! دلم برای همه تان تنگ شده، برای تو، مامان، برای همه شما آقا جان!" محتاب اما هیچ از این ها بر زبان نیآورد. آبشوره اشکی را که از گونه ها به دهان نیمه بازش چکید بود قورت داد و با صدای تغییر یافته، خشک و بی تفاوت گفت: سلام عرض می کنم! من زهرا، یکی از دوستان دخترتان هستم. هدیه ای برای شما فرستاده که اگر محبت کنید و پس فردا به آدرسی که می دهم بیاورید، تحویلتان خواهیم داد. محتاب نشانی را به پدر داد و پدر بی آنکه بداند این همان دخترکی است که سالها در انتظار دیدار او اوست، نشانی را با دست گرفته کرد. مکالمه کوتاه بود. محتاب پس از خدا حافظی گوشه ای را گذاشت. قلبش فشرده بود. گویی کسی با پنجه هایی قوی از درون می فشرده. در کابین تلفن راباز کرد. نفس همیتی کشید و در حالی که پوست چانه اش می لرزید و لب زیر لبش را باندندان می گزید، از کابین خارج شد. سهراب را که دید چشمهایش خندید. گونه هایش اما از اشک نمانک بود و دلش دریای اشتیاق. ادامه دارد

به او داده بود. خوابی همیق فرورفت. چشم که گشود، خودش فکر می کرد لحظه ای بیش نخفته است. در همان فضای تنگ به ضلالت دست ها و شانه اش انقباضی داد. با یک دو دست، گونه هایش را فشرده پرسید: -هنوز خیلی راه مانده؟ -تا کجا؟ -خب معلوم است دیگر تا پاسگاه. -اینقدر جوش نزن، بخواب. گذشتیم. سهراب این را که گفت نتوانست جلو خنده اش را بگیرد. نمی خواست با صدای بلند بخندد. آرام می خندید. تهنه ای بی صدا، و شانه هایش از شدت خنده مرتب پائین و بالا می رفت. محتاب از خجالت سرخ شد. نگاهی گلیه آمیز به سهراب کرد و پس از کمی مکث خودش هم به خنده افتاد. خنده ای شدید. حال هر دو می خندیدند و شانه هر دو تکان می خورد. راننده مینی بوس از توی آینه نگاه پرمعنائی به آنها کرد. محتاب برایش مسافری تماشایی بود. این خنده ها برای او معنائی دیگر داشت. در حالی که جاده را می پائید، آینه را نگاه می کرد و حواسش تماما متوجه تخیلاتی بود که از این خنده ها در اندیشه پرورانه بود. به آستار رسیدند. سهراب به محتاب گفته بود هر که مقصدش را پرسید بگوید که به خانه خاله ها و دایه هایش می رود. نشانی و مشخصات کامل را هم

بتیغه از صمغ ۴ درگیری ها، سوگ پشته های کشته ها. آندوه یک عمر هزاداری، سوگ های به هادت: ۲۱ رمضان، ۲۸ صفرها، تاسوعا و عاشوراها... چهره ها خیر از رنج می داد: رنج سال ها بیکاری، رنج کشنده سفره های خالی، رنج در به دری. مینی بوس در سر بالایی گردنه ها ناله می کرد و راه می پیمود. حالا چهره محتاب هم گرفته بود. آهی کشید. از دو مرد میانسال چشم گرداند، به آرامی به سمت پنجره برگشت. تابی به چشمان داد و به بیرون نگاه کرد. به رنگ اخرابی خاک نگاه کرد. به سبزه ها، به رنگ گرم ساقه ها، به شاخه ها به برگ ها نگاه کرد. به آفتاب به انعکاس نورها، به دورها، به دورها، به دورها نگاه کرد. محتاب فرقه در رویا، سرشار از زیبایی رنگ ها، احساس کرد که پلک های سنگینی می کند. خستگی، هضاتش را فرو کوخته بود و اکنون خواب، راحتش نمی گذاشت. سهراب که در میدان دیدش او را می پائید، رو به او کرد: - مواظب باش خوابت نبرد. هنگام ورود به آستار، پاسداران معمولاً به کسانی که خواب هستند بیشتر مشکوک می شوند. محتاب اما پلک بر هم بسته بود. خستگی تن و سنگینی افکار مانع از آن بود تا سلول های مغزش به گفته های سهراب حساسیت نشان دهند. در همان حالتی که به شیشه پنجره مینی بوس تکیه داده بود به

مینی بوس در ترمینال آستار توقف کرد. همه مسافرنین پیاده شدند. محتاب و سهراب هم. - خانه آشنای ما همین نزدیکی هست. پیاده می رویم. ببین سهراب! اگر در دست نمی دهم. دلم می خواهد اول با خانواده ام در تهران تماس تلفنی بگیرم. -خب. پس اول به تلفنخانه می رویم. فقط قول بده که پرچانگی نکنی. محتاب خندید. در دل امانت خویش داشت. * * * به تلفنخانه رسیدند خوشبختانه شلوغ نبود. شماره را زد و گرفتند. از بلندگویی که صدایش در اثر پژواک چندین باره، گنگ و نامفهوم بود صدای آمد: "قاتی سهراب، کابین ۲". محتاب با اینکه سعی کرده بود خونسرد باشد، دستپاچه شد. رنگ از رویش پرید. مثل گچ، زانویش توان از دست داد، ضعیف و کم رمق شد. صدای ضربان قلبش را در گوش می شنید. وارد کابین شد. سرش گیج رفت. در را محکم بست. سهراب، بیرون، روی نیمکت به انتظار نشسته و مراقب او ضاع بود. محتاب پیش از آنکه گوشی را بردارد کوشید تا افکارش را متمرکز کند. انگشت کوچک دست چپش را تلاب کرد و گوشه لبش را به سمت بالا کش داد. مثل ماهی صید شده با قلاب. داخل کابین زنگ تلفن چندین بار تکرار شد.

شکست "سوسیالیسم واقعا موجود"

و

آینده جهان سوم

در اکثر کشورهای اروپای شرقی، کمونیستها قدرت سیاسی را از کف داده اند. در آینده، این کشورها راه "اقتصاد بازار" را در پیش خواهند گرفت. اتحاد شوروی، متحد "سوسیالیسم واقعا موجود"، دچار بحران است. پیامدهای این تحولات برای جهان سوم، به ویژه برای کشورهای که راه رشد "سوسیالیستی" را در پیش گرفته بودند، چه خواهد بود؟

شکست سوسیالیستها در انتخابات نیکاراگوئه، وحدت دویمین با ژنرالی یمن "فیر سوسیالیست" بازگشت برخی کشورهای آمریکایی به "حیات خلوت" غرب و پدیده های مشابه، نخستین هواقب

روپاشی "نظام جهانی سوسیالیستی" برای کشورهای روبرو شده، یا بهتر بگوییم کشورهای عقب مانده است. آیا دیگر برای ما جهان سومی ها، راهی جز راه سرمایه داری باقی نمانده است؟ مقاله حاضر، که از نشریه آلمانی "جهان سوم" ترجمه شده، به بررسی مسائلی مربوط به تأثیر رویدادهای اروپا بر کشورهای "سوسیالیستی" رشد یافته، و به ویژه کوبا می پردازد. بزرگوار سیاه نگارنده این مقاله، با نمایان کردن برخی واقعیات، از دید خود به نقد تجربه گذشته اینگونه کشورها می پردازد. توجه به این واقعیات، لازمه بررسی همه جانبه مسئله است، اما درج مقاله، به معنای تأیید همه دیدگاههای آن نیست.

آموزش، نمونه و اراد و حق کار وجود دارد. زندگی سالخوردگان نیز تأمین شده است، حتی بهتر از اتحاد شوروی، که در آن دهها هزار بازنشسته، مخیم بیمارستانها هستند زیرا به قدر کافی جا در آسایشگاه های سالمندان وجود ندارد. متوسط انتظار عمر مردم کوبا ۱۰ سال بالاتر از مردم شوروی است. اما کوبا به هیچ وجه قادر نیست بهای این نظام رفاهی نمونه را خود پرداخت کند.

در سال ۱۹۸۷، اندکی کمتر از نصف هزینه های دولت کوبا به بهداری، مسکن، آموزش و سایر خدمات اجتماعی و فرهنگی اختصاص یافت. این مبلغ معادل تقریباً ۵ میلیارد دلار بود. از سوی دیگر تقریباً همین مقدار کمک مالی سالانه را تنها اتحاد شوروی به کوبا می پردازد.

امروز، مردم شوروی از خود می پرسند چرا باید از نان بخور و نمیر خود بزنند تا مردمی در کشورهای بیگانه را سیر کنند. در بودجه دولتی شوروی برای ۱۹۹۰، ۱۳/۴ میلیارد روبل جهت بهبود سطح زندگی شهروندان شوروی پیش بینی شده است، یعنی چهار برابر مبلغ کمک به کوبا، و این در حالی است که در شوروی ۲۹۰ میلیون و در کوبا تنها ۱۰ میلیون نفر زندگی می کنند. با حساب کمک های نظامی، ویتنام حتی بیش از کوبا از شوروی کمک دریافت می کند.

اینک در اتحاد شوروی، برای نخستین بار جزئیات کمک به کوبا که در گذشته جز اسرار دولتی بود، منتشر شده است. مهم ترین شیوه کمک، پرداخت قیمت های مصنوعی بالا برای کالاهای صادراتی کوبا است. اتحاد شوروی، یک سوم نیاز خود به شکر و نیکل و بیش از ۴۰ درصد نیاز خود به مرکبات را از کوبا وارد می کند. تنها برای ۴۳ میلیون تن شکر که کوبا در سال ۱۹۸۹ به شوروی فروخت، این کشور ۲۶ میلیارد روبل سوسید دریافت کرد که طبق نرخ رسمی مبادله، ۴۱ میلیارد دلار است. این مبلغ، فاصله میان قیمت دریافتی از سوی کوبا و قیمت بازار جهانی بود.

از سوی دیگر، کوبا نیز بابت نفت دریافتی از شوروی، بهای مصنوعی بالایی پرداخت کرد. تفاوت این بها با قیمت بازار جهانی چیزی در حدود یک میلیارد روبل بود. به نظر عجیب می رسد، اما این نیز به نفع کوبا بود زیرا کوبا در مقابل، مجاز بود بیش از میزان مورد نیاز برای مصرف خود، نفت وارد کند. کوبا این نفت اضافی را صادر کرد و ارزش فزینی که بسیار بدان نیاز دارد، دریافت نمود. میزان سالانه این درآمد، بیش از ۳۰۰ میلیون دلار، یعنی در حدود یک سوم کل درآمد ارزی کوبا بوده است.

یکی از هلاک با بودن قیمت های امروزی مبادله کالا در شورای همکاری اقتصادی این است که این قیمت ها تنها یک بار در هر ۵ سال تعیین می شوند، و در تعیین آن، متوسط سطح قیمت های بازار جهانی در پنج سال گذشته ملاک قرار می گیرد. این بدان معنی است که قیمت های امروزی، به سطح بالای قیمت ها در فاصله ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ باز می گردد. اما این قیمت ها در پایان سال جاری اعتبار خود را از دست می دهند. قیمت های ثابت برای دوره ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵، کمتر از قیمت های امروزی خواهد بود زیرا در فاصله ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰، متوسط قیمت بازار جهانی برای شکر و نفت، پایین تر بود. (۶)

یک طریق دیگر مهم برای کمک به کوبا، اعتبارات جهت ایجاد موازنه در بیلان بازرگانی و خدمات است، زیرا شوروی معمولاً بیش از حجم واردات خود از کوبا، به این کشور صادرات دارد. در سال ۱۹۸۹، شوروی برای این اعتبارات یک میلیارد روبل بودجه تعیین کرد. اعتبارات برای ایجاد موازنه تجاری، دو سوم وام های شوروی به کوبا را تشکیل می دهند. اعتبارات دیگر، مخصوص تأمین مخارج پروژه های صنعتی اند. با کمک شوروی در کوبا ۴۰۰ کارخانه، نیروگاه و موسسه اقتصادی دیگر ایجاد شده است.

وام های شوروی به کوبا، نرخ بهره نازکی دارد که از دو درصد در سال تجاوز نمی کند. مدت بازپرداخت این وام ها طولانی است. شوروی، بازپرداخت این وام ها را "به عبارت محتاطانه، دشوار" می داند. مسکو در واقع دیگر روی بازپرداخت این اعتبارات حساب نمی کند و دلیل این امر نیز این است که هر سال بطور خودکار موسسات شوروی طلبکار از کوبا جای خود را به طلبکاران جدیدی می دهند. تا امروز کوبا به شوروی ۴/۱۵ میلیارد روبل، یعنی ۴/۲۴ میلیارد دلار مقروض است. (۷)

تاوگان تجاری شوروی نیز به کوبا کمک می کند. ۲۰ میلیون تن کالا که سالانه میان دو کشور مبادله می شود، عمدتاً توسط ۳۰۰ کشتی شوروی انتقال می یابد. بدین ترتیب ۱۵ درصد تاوگان تجاری شوروی به رفت و آمد به کوبا اختصاص یافته است. ارزش این خدمات نیز چند صد میلیون روبل است.

برآورد یوری کورنیلوف، روزنامه نگار شوروی حدوداً معادل ۵ میلیارد دلار است. این بدان معنی است که کوبا از هنگام انقلاب، تنها از شوروی معادل ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ میلیارد دلار کمک دریافت کرده است. بر این کمک، باید کمک های آلمان شرقی، چین، چکسلواکی، مجارستان و سایر کشورهای کومکن را

بازنشستگان، معلولین جنگ دوم جهانی و جنگ افغانستان، بیماران، جوانان بیگار (به ویژه در جمهوری های آسیای میانه) و کارگران بی تخصص که دستمزدی در حدود ۶۰ تا ۷۰ روبل در ماه دارند، اکثریت عظیم کارگران متخصص و کارمندان نیز زندگی سختی دارند. در صنایع کالاهای مصرفی، دستمزد متوسط ماهانه، بطور خاص ۵۳/۶۷ روبل است. این مبلغ برای معاش هیچ خانواده ای کفایت نمی کند. بابه حساب آوردن همه عوامل، ۸۶/۵ درصد شهروندان شوروی درآمد کافی ندارند. (۳)

در اتحاد شوروی حتی مردمی وجود دارند که زندگی خود را تنها با کمک و صدقه هموطنان ادامه می دهند. از جمله، شهروندان مسن شوروی که بخش اعظم زندگی را تحت تعقیب سیاسی گذرانده و از این رو فاقد "دفترچه کار" اند، هیچگونه حقوق بازنشستگی دریافت نمی کنند. همچنین هرکس به هلت یک جراحی جنگی یا هواب اسارت در یک اردوگاه تنهامت کوتاهی کار کرده باشد، نه حداقل مستمری دولتی معادل ۷۰ روبل، بلکه حقوق صدقه گونه ای، مثلاً ۲۱ روبل، می گیرند.

از آنجا که کمک دولت کافی نیست، هنرمندان و روزنامه نگاران در سراسر شوروی یک "اقدام ترحم" سازمان دادند تا به کمک کنسرت های همبستگی و فعالیت های مشابه، برای نیازمندان پول جمع کنند. علاوه بر این، در موارد معدودی کارخانه ها و موسسات از صندوق اجتماعی مابه التفاوت مستمری را تا حد ۱۲۰ روبل که مرز فقر محسوب می شود، پرداخت می کنند. (۴)

این سؤال که شوروی دیگر تا چه حد خود نیز یک کشور جهان سوم است، در مورد درآمد سرانه نیز مطرح است. این کشور در این هرصه پایین تر از همه کشورهای صنعتی سرمایه داری، در مقام سوم است. حتی کشور نسبتاً فقیر ایرلند نیز در این مورد از شوروی پیشی گرفته است. چندین کشور رشد یافته نیز درآمد سرانه خود را به بیش از سطح شوروی رسانده اند، از جمله هنگ کنگ، سنگاپور و ترینیداد و توباگو.

مقایسه درآمد سرانه کشورهای دارای نظام اقتصادی متفاوت از جمله بدین هلت دشوار است. که نخست باید نرخ مبادله حقیقی واحدهای پول را محاسبه کرد. مثلاً ارزش واقعی روبل در برابر دلار آمریکا چقدر است؟ بطور رسمی، در ازای یک دلار تنها ۶۳/۰۶ روبل پرداخت می شود. اما در بازار سیاه شوروی، در فوریه ۱۹۹۰ قیمت هر دلار ۱۵ روبل بود. اگر نرخ مبادله واقع بینانه ای را بین نرخ رسمی و بازار سیاه بپذیریم، شوروی در رده بندی درآمد سرانه بسیار پایین تر خواهد رفت، پایین تر از کشورهای ماندوئوز و تلوو کره جنوبی. (۵)

از این واقعیات تنها می توان این نتیجه را گرفت که در مورد کاهش کمک مادی و مالی شوروی به جهان سوم به هیچ وجه نمی توان از خیانت سخن گفت. اتحاد شوروی در گذشته باری بیش از توان خود برداشته، بیش از توان خود تسلیحات فراهم کرده و بیش از حد لازم، در هرصه جهانی سیاست اعمال قدرت را پیش برده است. اینک، در شوروی زمامداران از آسمان توجهات به زمین واقعیات، زمینی که بسیار تخریب شده، باز می گردند. البته تفاوت اتحاد شوروی با کشورهای جهان سوم مانند کوبا در این است که مخارج سیستم رفاه اجتماعی قناعت پیشه خود را از جیب خود می پردازد.

در کوبا، تأمین عمومی مواد غذایی اصلی به قیمت ریگان، تضمین شده است. نظام بهداری و

نخستین شوک را قطع کمک تسلیحاتی شوروی به نیکاراگوئه در اوائل سال ۱۹۸۹ باعث شد. هلت نیز این بود که پس از آن هم، ضد انقلابیون مورد حمایت آمریکا، به جنگ کثیف خود علیه این کشور ادامه دادند. از نیمه دوم سال ۸۹، تنزل روابط اقتصادی میان کشورهای سوسیالیستی اروپا و جهان سوم نیز چشمگیر شده است. این امر به ویژه شامل کوبا می شود که ۸۵ درصد واردات و صادرات خود را با کشورهای شوروی همپاری اقتصادی (کومکون) انجام می دهد. اینک، بسیاری از کالاهای وارداتی کوبا از کشورهای کومکون تمویل داده نمی شوند یا بر بهای آنها افزوده می گردد. برای کوبایی ها، این دلیل نیز بر دلایل لزوم محکم تر بستن کمر بندهایشان اضافه شده است.

اواخر ژانویه ۱۹۹۰، دولت کوبا بهای نان را در پایتخت به میزان یک سوم بالا برد. در سایر نقاط کشور، جیره سرانه نان از روزی ۲۰۰ گرم به روزی ۱۸۰ گرم کاهش داده شد. به استثنای بیمارستانها، سهمیه نان موسسات اجتماعی ۱۰ درصد کاهش یافت. قیمت تخم مرغ در سراسر کشور دو برابر شد و به ۲۹/۰ پرو (برابر ۵۲/۰ مارک آلمان غربی) رسید. علاوه بر این، هوانا ناچار شد برای جلوگیری از کشتن اضطراری طیور و دام ها، بخشی از ذخایر اندک ارزی خود را صرف وارد کردن غله خوراک دام و طیور از کانادا کند.

دولت کوبا از آن رو ناچار به توسل به چنین تدابیری شد که شوروی، تعهدات خود در مورد تمویل غله را اجرا نکرده بود. شوروی ما این نقض قرارداد را چنین توضیح دادند که به اندازه کافی، کشتی های باری شوروی آماده نبوده است. در همین حال، فقدان کشتی های شوروی، لهستان و آلمان شرقی باعث شد که کوبایی ها نتوانند مرکبات خود را طبق برنامه صادر کنند. در ژانویه ۱۹۹۰، تنها ۲۸۳۵۰ تن از ۷۲ هزار تن مرکباتی که آماده صدور بود، بارگیری شد. (۱)

در این میان، برخی کشورهای اروپایی همو کومکون بدون توافق قبلی بر قیمت کالاهای صادراتی خود به کوبا افزوده اند. به عنوان نمونه، کارخانه اتوبوس سازی ایکاروس مجارستان، ظرف سه سال و نیم گذشته، قیمت های فروش لوازم یدکی و موتور اتوبوس به کوبا را در مجموع ۴۰ درصد افزایش داده است، در حالی که قبلاً توافق شده بود این قیمت ها تا پایان ۱۹۹۰ ثابت بمانند. ایکاروس به عنوان دلیل برای این افزایش قیمت، حذف سوسیدهای دولتی در مجارستان و گران شدن مواد اولیه تمویلی از سوی کارخانه های فولاد و صنایع برق این کشور را ذکر کرده است. (۲)

کاهش گامش کمک مالی و نظامی اروپای شرقی و به ویژه شوروی، خیانت به جهان سوم تلقی می شود. این اتهام، بر پر بهادادن فاحش به امکانات این کشورها مبتنی است. در ایجاد این تصویر در همین قدرت اقتصادی، در گذشته هم رهبران کشورهای سوسیالیستی و هم سازمان های سیاسی چپ در غرب نقش داشته اند.

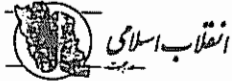
شوروی شاید هنوز در هرصه نظامی و برخی هرصه های صنعتی، ابر قدرت باشد. اما در بسیاری از هرصه ها، اتحاد شوروی بیشتر یک کشور فقیر رشد یافته را تحمیل می کند. اثبات این حکم با آوردن فاکت، برای بحث در باره چشم انداز آینده سوسیالیسم در جهان سوم نیز اهمیت دارد.

امروز در اتحاد شوروی در حدود ۶۰ میلیون نفر - یک پنجم کل جمعیت - در فقر زندگی می کنند:

برنامه‌کار و فعالیت آن در داخل کشور و از نظر تشکیلاتی و نظامی مورد تأیید قرار گرفته است و تأکید گردیده است که این سازمان "هرگام حزب دمکرات کردستان ایران در جهت تقویت صفوف مبارزاتی حزب، گسترش فعالیت کادرها، پیشبرد راه‌ها، اعضا و هواداران حزب را در هر جا که هستند، تقویت پایه‌های توده‌ای حزب دمکرات و گسترش مناسبات آن با نیروهای چپ و آزادیخواه را بشماره پیشرفتی برای کل جنبش‌آرزایی میکند و از آن دفاع مینماید."

این مقاله سپس به نقد مصوبه پلنوم در برخورد با حزب دموکرات کردستان - رهبری انقلابی پرداخته و نوشته است "ماتحلیل پلنوم در خائن و مزدور دشمن اعلام کردن رهبری انقلابی و تجویز مجدد بکارگیری امکانات نظامی در برابر آنان را بطور قاطع غیراصولی، غیردمکراتیک، غیرمسئولانه و برای کل جنبش بسیار زیانبار میدانیم. اطلاعات بر چه مبنایی و با چه استدلالی "رهبری انقلابی" را خائن و مزدور دشمنان جنبش کردستان میدانند" مقاله سپس انتقادات این سازمان از "رهبری انقلابی" در زمینه برخورد با حزب دمکرات، در برقراری روابط ویژه با مجاهدین خلق، در مسکوت گذاشتن ضرورت تلاش برای ایجاد جبهه، در سکوت نسبت به بهاران شیمیایی کردستان عراق توسط رژیم عراق" بر شمرده و سپس تأکید گردیده که "توسل به امکانات نظامی برای حل اختلافات و مشکلات ناشی از جدائی و انشعاب در مقابله با مصلحت‌طلبی و حفظ و گسترش پیوند با مردم کردستان است" و از نیروهای کرد خواسته است که به فضای مناسبات خصمانه پایان دهند که تنها راه اصولی و ثمربخش بسود جنبش خلق کرد، نیروهای سیاسی و حزب دمکرات کردستان است.

غیر واقعی بودن الگوی نیکاراگوآ



حاکمیت ملی به روشنی تعریف میشود و در نتیجه از وابسته بقدرت های خارجی و استبداد حاکم وابسته سلب هرگونه مشروعه‌پستی شده و حق حاکمیت ملی به ملت اعطا گردیده و از زور پرستان خواسته میشود تعیین جا و موضع هر گروه سیاسی را به رای مردم بگذارند و در نتیجه خطاها و حیانت‌های زور پرستان پیشاپیش هغو میشود. وی امکان انجام این برداشت را در ایران رد نموده و پذیرش آن را امید کاذبی مینامد، وی در این امکان به مقایسه شرایط ایران و نیکاراگوآ پرداخته و بر این تفاوت تأکید نموده است که "در نیکاراگوآ ساندینیستها حیات سیاسی خود را بعد از انتخابات آزاد، قطعی مینهادند و بنابراین، برای آنکه رژیم ایران گیت ها به انتخابات آزاد تن دهد باید که آزادی بیم نداشته باشد و استقرار آن را پایان کار خود تلقی نکند" وی سپس با شمردن فجایع جمهوری اسلامی در سالهای اخیر نتیجه گیری مینماید که نیروی حاکم به انتخابات آزاد تن در نخواهد داد و "جدی گرفتن الگوی نیکاراگوآ، تماری است که بر ندهاش در کوتاه مدت، رژیم ایران گیت هاست."

جمع‌بندی از حرکات کارگری



همچنین آمده است که مبارزه برای افزایش دستمزد محور اصلی جنبش کارگری در یک سال گذشته بوده است و در صورتیکه مبارزه برای تدوین و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل که به دومین شعار جنبش کارگری تبدیل گردیده است و در واقع آن نیز تلاشی است برای افزایش دستمزد را در نظر گیریم در سال گذشته ۹۹٪ اعتراضات و ۷۰٪ کل حرکات کارگری حول مطالبات مربوط به دستمزد و مزایای کار صورت گرفته است که ۴۱ مورد اعتراض در رابطه با افزایش دستمزد و ۱۷ اعتراض در رابطه با طرح طبقه‌بندی مشاغل بوده است. علاوه بر مطالبات فوق سال گذشته حول سه مطالبه دیگر مبارزه برای کاهش ساعت کار، مبارزه برای جلوگیری از اخراج و تلاش برای بازگشت به کار و مطالبات مربوط به امور رفاهی حرکات کارگری انجام گرفته است.

در این گزارش بر ارتقاء چشمگیر کیفیت جنبش کارگری در طی سال اخیر تأکید گردیده و در این رابطه مهمترین حرکات کارگری این دوره مثال آورده شده و آمده است "قبل از همه تمحصن ۴۵ روزه، کارگران ارج خود بیانگر پیدایش این کیفیت نوین در جنبش کارگری است. انسجام و همبستگی کارگران را، آنگونه که در این تمحصن ۴۵ روزه خود را نشان داد بندرت در تمام دوران حاکمیت سرکوب و حبشیانه فقها می توان مشاهده کرد...

نمونه دیگر، اعتراض چندین هفته‌ای کارگران پالایشگاهی سراسر کشور به دادن بن اجناس بجای پرداخت نقدی هیدی است. ابتدا کارگران پالایشگاه تهران با تحریم دریافت کوپن به این اقدام ضدکارگری اعتراض میکنند و سپس پالایشگاه‌های تبریز، اصفهان و شیراز و مناطق دیگر نیز با حمایت از اعتراض پالایشگاه تهران به حرکت می‌پیوندند..."

پتیه در صفحه ۵

خبرها و نظرها

نقد مصوبات پلنوم اخیر حزب دموکرات کردستان ایران

نشریه فدائی ارگان سازمان فدائیان خلق ایران در مقاله‌ای با عنوان پیرامون اطلاعاتیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران به بررسی مصوبات پلنوم اخیر حزب دمکرات پرداخته است. در این مقاله مواضع حزب در این پلنوم مبنی بر مبارزه در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و بکارگیری اشکال متنوع مبارزه و تصمیمات حزب در زمینه

ابوالحسن بنی صدر در مقاله‌نشریه انقلاب اسلامی ۲۸ خرداد مقاله ای در رد الگومردن نیکاراگوآ نوشته است. در این مقاله وی دو برداشت از الگوی نیکاراگوآ را به نقد کشیده است. وی در توضیح برداشت اول مینویسد "بنابر قانون اساسی تجدید نظر شده ولایت از آن مردم ایران نیست و از آن رهبر است و رژیم ایران گیت ها، ده سال است هر چه خواسته‌اند کرده‌اند. غیر از این طلع مثلث، دو ضلع دیگر مثلث زورپرستی نیز در خدمت بیگانه‌اند. بنابراین از دو برداشت از الگوی نیکاراگوآ باید به مثلث زور پرستان مشروعه‌پست دانه شود. اما اگر این مشروعه‌پست را، آنها در موقعیت ایران که بکلی با مو قعیت نیکاراگوآ متفاوت است به این زور پرستان بدهیم در واقع امضا کرده‌ایم که مردم ایران از حاکمیت محرومند و از آزادی و استقلال خود چشم میپوشند" وی در رد این برداشت مینویسد باید دو اصل استقلال و آزادی ملاک مشروعه‌پست فعالیت سیاسی باشد و در فیراین صورت میهن ما به لبنان دیگری بدل خواهد شد.

وی در ادامه مینویسد مطابق برداشت دوم

در کشورهای فیر سوسیالیستی جهان سوم نیز بازده تولید در موسسات و کارخانه‌هایی که دولتی می‌شوند، پس از مدتی به شدت کاهش می‌یابد بر شمار کارکنان افزوده می‌شود و تن پروری و فسادگسترش می‌یابد. در کشورهای در حال رشد سوسیالیستی، بر این امر، این نیز اضافه می‌شود که نرم‌های کار تاحدی پایین است که کار به یک مضحکه تبدیل می‌شود. زمانی فیدل کاسترو گفت نرم‌های کار در کوبا "به حدی نازل و فیر اخلاقی است که در برخی از بخشهای اقتصادی تقریباً همه کارگران دو برابر و سه برابر آن انجام می‌دهند" (۱۱) (توضیح مترجم: در کشورهای سوسیالیستی، در هر صدهای مختلف تولید، ارقام برنامه، ملاک یا نرم کار است و میزان تولید باید حداقل به اندازه این ارقام باشد.)

البته برای مردم کوبا، سوسیالیسم در گذشته قبل از آنکه یک شیوه اقتصادی باشد، ابزاری برای دفاع از استقلال این کشور در برابر ایالات متحده، این همسایه بسیار نزدیک و نیرومند بوده است. اگر امروز کوبا در سطح جهانی نقشی ایفا می‌کند که به نسبت وسعت و جمعیت آن فیر هادی است، این امر به برکت سوسیالیسم است. همچنین استاندارد زندگی در کوبا، امنیت و نهادهای اجتماعی آن، بر زمینه سوسیالیسم روئیده است، هر چند که این رویش، تاحدزیادی از خاک کوبانبوده است.

کوبایی ها به سهم خود، در رابطه با کمکی که از شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی گرفته‌اند، هرگز خودخواهانه عمل نکرده‌اند. آنها بخشی از این کمک را بطور برادرانه بابرخی کشورهای دیگر جهان سوم تقسیم کردند، به ویژه با آنگولا، اتیوپی و نیکاراگوآ. و این بزرگ منشی کوبایی‌ها، تنها در هر صدها مبعستگی مادی نبود، تنها آنچه کوبایی‌ها برای آنگولا و برای نابودی نژادپرستی در جنوب آفریقا انجام دادند، کافی است تا خدمات آنها همواره به یاد بماند.

بسیاری از مردم کوبا امروز از این هراس دارند که بدون سوسیالیسم، به زودی باز به امپریالیسم آمریکا وابسته شوند. این، یکی از هلال مهم این واقعیت است که تا به حال در کوبا اعتراضات گسترده‌ای علیه دولت انجام نگرفته است. با این حال، کوبایی‌ها نیز خواهند توانست از این حقیقت تلخ بگریزند که نظام اقتصادی سوسیالیسم واقعا موجود، یک بن بظام است. از این راه، نه آنها و نه سایر خلقهای جهان سوم، بر عقب ماندگی فلبه نخواهند کرد. آنها در گذشته علیه رژیم مبع کمکهای کشورهای سوسیالیستی اروپا موفق به این کار نشده‌اند، و در آینده، بدون این کمک، اگر کماکان به اقتصاد متمرکز برنامه‌ای وفادار بمانند، به طریق اولی موفق نخواهند شد.

در سراسر جهان، بر نیازهای مادی، معنوی و فرهنگی انسانها افزوده می‌شود. روزی یک کاسه برنج برای هر کس، که دیروز در آسیایک دستاورد تاریخی بود، فردا در آنجا دیگر کسی را راضی نخواهد کرد. مسئله این است که مردم کشورهای سوسیالیستی آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین، تاکی کمبودهای مزمن سوسیالیسم و واقعا موجود در زمینه توزیع و دمکراسی را تحمل خواهند کرد. در جهان سوم نیز زندگی کسانی را که تاخیر تاریخی می‌کنند، مجازات می‌کند.

- منابع
- ۱) فایننشال تایمز، لندن، ۲۳ توریه ۱۹۹۰، گزارش هفتگی آمریکای لاتین، لندن، ۱۵ توریه ۱۹۹۰
 - ۲) گراناسمانال، هاوانا، اول اکتبر ۱۹۸۹
 - ۳) اوگو نیوک، مسکو، شماره‌های ۴۵، ۴۳، ۴۶ سال ۱۹۸۹ و نیز شماره‌های ۴ و ۷ سال ۱۹۹۰
 - ۴) همانجا
 - ۵) اوگو نیوک، شماره ۶ سال ۱۹۹۰
 - ۶) اوگو نیوک، شماره ۷ سال ۱۹۹۰ و نیز وستیا، مسکو، اول مارس ۱۹۹۰
 - ۷) همانجا
 - ۸) همانجا
 - ۹) اوگو نیوک، شماره ۴۳ سال ۱۹۸۹
 - ۱۰) فایننشال تایمز، هشتم مارس ۱۹۹۰
 - ۱۱) گراناسمانال، ۱۸ اکتبر ۱۹۸۷



یک کشتی تجاری شوروی در بندر هاوانا

تشکیل حزب کمونیست روسیه

نظامیان بر مه خیال کناره گیری ندارند

کنفرانس حزب کمونیست شوروی در جمهوری روسیه، هفته گذشته با ۲۳۱ رای موافق، ۱۷۱ رای مخالف و ۳۸ رای ممتنع، خود را کنگره موسس حزب کمونیست روسیه اعلام کرد. تا قبل از این کنفرانس، جمهوری روسیه، بزرگترین جمهوری شوروی، تنها جمهوری این کشور بود که حزب کمونیست مستقل نداشت. حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در کنگره چهاردهم خود در دسامبر ۱۹۲۵ به حزب کمونیست اتحاد شوروی (بلشویک) تغییر نام داد و با وجود تاسیس احزاب کمونیست در جمهوریها، در روسیه چنین حزبی تشکیل نشد.

اورال، تعدادی از سیاستمداران جناح "اصلاح طلب رادیکال" و نیز گئورگی آریاتف رئیس انستیتوی آمریکا و کانادارامتهم به "لجن پراکنی" علیه ارتش، وزارت کشور و سازمان امنیت کرد. این فرمانده نظامی ضمن بر شمردن تقویت ناتو، وحدت آلمان و نیرو گرفتن ژاپن، مدعی شد که گارباچف به نیروهای مسلح کم توجهی می کند. وی گفت میخائیل گارباچف بدون مبارزه، از برخی مواضع شوروی عقب نشسته است. ژنرال ماکاشف افزود: "این حرف که کسی به ما حمله نخواهد کرد، فقط به درد احمق‌هایی خورد."

نظامیان حاکم بر برمه، هلیرقم نتایج انتخابات ۲۷ ماه مه در این کشور، خیال کناره گیری ندارند. ژنرال ساوماونگ رئیس شورای نظامی حاکم بر برمه، اعلام کرد: "اگر از من پرسید وظیفه ما پایان یافته است یا نه، پاسخ من منفی است." وی افزود وظیفه ارتش، "حفظ وحدت ملی، همبستگی میان مردم و نیروی مسلح و حاکمیت کشور" است، و "هر فردی سازمانی که بخواهد این سه اصل را نقض کند، با اقدام مامواجه خواهد شد."

اماراتش همیشه می ماند. در مجلس جدید برمه، "اتحاد ملی برای دموکراسی" که مهمترین نیروی اپوزیسیون است، حداقل ۳۲۹ کرسی خواهد داشت، در حالی که تاکنون تنها ۶ نماینده منتخب، از "حزب وحدت ملی"، حزب نظامیان بوده اند. شمارش آرا برای انتخاب حدود ۱۰۰ نماینده هنوز به پایان نرسیده است.

نظامیان برای جلوگیری از تحول، پیش بینی های لازم را کرده اند. اخیرا دولت برمه، خانم ائونگ سان سوکی، رهبر اپوزیسیون را برای همیشه از عهده دار شدن مقامات دولتی محروم کرد. سوکی که دختر ائونگ سان، قهرمان ملی جنگ استقلال برمه است، در برمه به مظهر مبارزه برای دموکراسی تبدیل شده است. وی از حدود یک سال پیش در خانه خود تحت نظر است. ژنرال ها، سوکی را خطرناک ترین دشمن خود می دانند. در پائیز ۱۹۸۸، دانشجویانی که با تظاهرات گسترده، رژیم برمه را در آستانه سقوط قرار دادند، سوکی را رهبر خود اعلام می کردند.

یوری ماینکف دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی که گفته می شود کاندیدای

دولت جدید اسرائیل، دولت وزرای فاسد و جنگ طلب

روزنامه یدیوت آهرنوت می افزاید اگر بنا باشد تضاوت در مورد دولت جدید و اعضای آن، بر اساس مقاصد اعلام شده و عملکرد تاکنون آنها انجام گیرد، باید فوراً کنسروهای مواد غذایی تهیه کنیم و به نزدیکترین پناهگاه ضد هوایی برویم. همسایگان اسرائیل، مانند سوریه، اردن و مصر نیز در دولت جدید اسرائیل، خطری جدی برای صلح منطقه می بینند. در آمریکا، جیمز بیکر وزیر خارجه این کشور دو روز پس از تشکیل کابینه شامیر هشدار داد که وضعیت در خاورمیانه، متشنج تر از هر زمانی از هنگام جنگ شش روزه ۱۹۶۷ تاکنون است.

دولت جدید شامیر نخست وزیر اسرائیل که روز یازدهم ژوئن به عنوان بیست و چهارمین کابینه این کشور، با ۲۲ رای در پارلمان ۱۲۰ نفری اسرائیل رای اعتماد گرفت، نه تنها در خارج از این کشور، بلکه در داخل اسرائیل نیز با موجی از بی اعتمادی و مخالفت مواجه است. ییدیوت آهرنوت، پرتیراژترین روزنامه اسرائیل، شماری از سابق وزرای کابینه جدید بر شمرده است:

نه شامیر و نه هیچ یک از وزرای کابینه اش، به خود زحمت نمی دهند که برای تغییر برداشت افکار عمومی جهان از جهت گیری دولت جدید، بکوشند. شامیر در مورد مذاکرات با فلسطینی ها اظهار داشته است: "تنها کاری که با سر هرفات می تواند برای قانع کردن اسرائیل در مورد نیت صلح خواهانه اش انجام دهد، انحلال سازمان آزادیبخش فلسطین است."

اسحاق شامیر توسط کمیسیون تحقیق در باره قتل عام صبرا و شتیله هنگام جنگ ۱۹۸۲ لبنان، به علت شهادت دروغ محکوم شد.

آریل شارون، وزیر مسکن، می گوید: "تاکنون وقت حرف نیست، وقت عمل است." او، اولویت های کار دولت جدید را پذیرش موج مهاجرت از شوروی، حمایت و "افزایش تراکم" شهرک های یهودی نشین در کرانه غربی رود اردن و نوار قزه و "محو" انتفاضه، قیام فلسطینی ها در مناطق اشغالی می داند.

آریل شارون وزیر مسکن کابینه جدید با اختیارات ویژه برای پذیرش مهاجران، با حکم همان کمیسیون تحقیق، ناچار شد به علت همدستی در قتل عام مزبور، از وزارت دفاع استعفا دهد.

رئیس جمهور جدید رومانی سوگند خورد

همه نیروهای سیاسی سهمیم در نوسازی رومانی می دانند. رهبر رومانی افزود نباید گذاشت روند دموکراتیک، توسط "تارشی و دیکتاتوری خیابان ها" پایمال شود.

رئیس جمهور رومانی از عملکرد کارگران معدن که برای مقابله با تظاهرات ضد دولتی به بخارست آمده بودند، انتقاد کرد. وی گفت معدنچیان با ورود به ساختمان های دولتی، مقرهای احزاب و منازل شخصی، به افراد بیگناه نیز تعرض کرده اند. ایلیسکو خاطر نشان کرد: "ما بدون اما و اگر، موارد نقض قانون را محکوم می کنیم." پلیس بخارست اعلام کرد "به کمک مردم" و با استناد به نوارهای ویدئویی، ۴۲ تن از شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۳ ژوئن بخارست شناسایی و دستگیر شده اند. اپوزیسیون رومانی به دستگیری مخالفان اعتراض کرده است.

حزب سوسیالیست بلغارستان در مرحله دوم انتخابات نیز پیروز شد

خواهد فرستاد و حزب دهفانان، که در گذشته متحد حزب کمونیست بود، ۱۶ کرسی را اشغال خواهد کرد. ۶ نماینده دیگر پارلمان، مستقل یا وابسته به گروه های کوچک خواهند بود. آندری لوکانف نخست وزیر بلغارستان پس از انتخابات بار دیگر از اپوزیسیون دعوت کرد در "یک دولت با ثبات چپ میانه، بهترین راه حل برای بلغارستان خواهد بود."

قرار است پارلمان جدید بلغارستان ظرف ۱۸ ماه یک قانون اساسی جدید تدوین کند. احتمالاً پس از آن، انتخابات جدیدی برگزار خواهد شد.

<p>AKSARIYAT NO. 309 MONDAY 25. Jun. 1990</p>	<p>اکثريت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در خارج از کشور</p>
<p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen W. Germany</p>	<p>حساب بانکی: M.ABD NR. 35263011 کد بانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln W. Germany</p>



اسحاق شامیر رویای "اسرائیل بزرگ" را در سر می پروراند.

کنگره موسس حزب کمونیست روسیه در هفته گذشته، صحنه انتقادات شدید نمایندگان به میخائیل گارباچف دبیر کل حزب کمونیست شوروی و رئیس جمهور این کشور بود. در روز چهارشنبه، یگور لیگاجف عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی در این کنگره از گارباچف خواست از مقام دبیر کلی حزب سراسری، کناره گیری کند. لیگاجف گفت: "بدون کار تمام وقت، نمی توان حزب را به عنوان نیروی پیشرو رهبری کرد." وی افزود گارباچف ظرف ماه های گذشته خطاهای سنگینی مرتکب شده است. لیگاجف به عنوان نمونه از این نام برد که گویا دبیر کل حزب، نتوانسته است وجود "نیروهای ضد سوسیالیستی را که می خواهند حزب را از درون تضعیف و تخریب کنند"، دریابد. گارباچف در نطق خود از احیای حزب کمونیست روسیه جانبداری کرد، اما خواهان انتخاب ارگان های این حزب پس از برگزاری قریب الوقوع کنگره حزب کمونیست سراسری شوروی شد. هلیرقم نظر گارباچف، کنگره حزب کمونیست روسیه تصمیم گرفت ارگان های این حزب را که در ترکیب آرای کنگره سراسری نقش تعیین کننده خواهند داشت، قبل از کنگره سراسری انتخاب کند.

گارباچف در پاسخ انتقادات شدید اللحنی که متوجه او شده بود، گفت که نباید با چنین انتقاداتی به اتوریته دبیر کل حزب لطمه زد. وی افزود این امر به شخص او مربوط نیست، زیرا "حزب ممکن است چند روز دیگر دبیر کل دیگری داشته باشد."

الکساندر ملنیکوف، دبیر حزبی کمروف در سبیری، در کنگره هفته گذشته گفت: "درون حزب می جوشد، کشور در آستانه انفجار اجتماعی است، و رهبری کمیته مرکزی... در هوالم دیگر سیر می کند." ملنیکوف، گارباچف را متهم به کیش شخصیت و تصمیمات فردی، بدون اطلاع کمیته مرکزی و حزب کرد. این سخنان ملنیکوف با کف زدن نمایندگان همراه شد. ملنیکوف بیان پنج سال پرسترویکاراچنین بیان کرد: "مردم به کمونیست ها اعتماد ندارند. کمونیست ها به کمیته مرکزی اعتماد ندارند... تنها دستاورد ما، افزایش شدید قیمت ها و قفسه های خالی فروشگاه ها بوده است." سخنران اظهار داشت که در حوزه نمایندگی اش، کنفرانس حزبی معدنچیان به دفتر سیاسی، کمیته مرکزی و دولت، رای هدم اعتماد داده و خواهان استعفا همه اعضای آن شده اند.

در کنگره مسکو، ژنرال آکبرت ماکاشف فرمانده نظامی ولگا و